

فهرست

- نقش معلم در سازندگی نونهالان
- رهنمودهای عملی و کاربردی قرآن برای دستیابی به ویژگیهای معلم مطلوب
- آگاهی
- تواضع و فروتنی
- رفق و مدارا (حلم و بردباری)
- روش نیکو در گفتار و رفتار
- دوری از تکبر
- میانه روی و تعادل
- سعه صدر و آزاد اندیشی
- دوری از تکلف
- پاسخ بدی دیگران
- یادآوری
- پرهیز از گفتار بدون عمل
- آثار توحید در اخلاق و رفتار انسان
- طرح و بنای شخصیت کودکان
- موضوع تعلیم و تربیت
- پایه ریزی شخصیت اخلاقی کودک
- توجه به همه جنبه های شخصیت
- قبل از ورود به دبستان
- تاءثیر مسائل عاطفی در یادگیری
- ایجاد عاداتهای مطلوب
- تاءثیر بازی در رشد کودک
- 163 نکته تربیتی ((نکات مهم کاربردی در تربیت کودکان و نوجوانان))
- اجبار به کودکان
- نکات پرورشی در دوره ابتدایی
- ناسازگاری
- آزادی

- پایداری
- برخوردها
- کسب عادت
- احساس عاطفی
- مسائل اخلاقی و تربیتی
- نکات لازم کاربردی در کار با کودک و نوجوان
- چند توصیه مهم در امر تعلیم و تربیت



آنچه معلمان و مربیان باید بدانند

رضا فرهادیان

نقش معلم در سازندگی نونهالان

به کوی عشق منه بی دلیل راه قدم

که گم شد آن که در این ره به رهبری نرسید

شبان وادی ایمن گهی رسد به مراد

که چند سال به جان ، خدمت شعیب کند

علم الانسان مالم يعلم (1)؛ ((خداوند، به انسان آنچه را که نمی دانست آموخت .))

درود بی پایان ما نثار معلمی باد (2) که با هر سخنش روح و جان می گیریم و استعدادها و

قابلیت‌هایمان شکوفا می شود، با شنیدن هر کلامش پر می گیریم ، پرواز می کنیم ، به بلندای انسانیت

رهنمون می شویم و به سرچشمه زلال حکمت دست می یابیم . کلام معلم ، دیده بصیرت‌مان را می گشاید و ارزشهای والا و متعالی را در معرض دید ما قرار می دهد.

ای معلم ! دل‌های ما مشتاق کلام توست ، چون از کلام تو جان ، رمق می گیرد و از حرکت تو روان به شوق و تکاپو می افتد و در برابر کردار و رفتار تو دل ، خاضع و خاشع می گردد؛ فروغ بینش تو روان متعلمان را می نوازد و بنده خود می سازد، آری :من علمنی حرفا فقد صیرنی عبدا (3).

آیا به راستی می توان از مقام واقعی معلم ، تجلیل کرد و آن را گرامی داشت ؟

مع الاعسف در جامعه ، آن چنان که باید، نقش حساس و والای معلم شناخته نشده و تجلیل از معلم ، آن گونه که مناسب شاعن و مقام اوست به عمل نمی آید. نقش معلم ، به قدری گرانقدر و والاست که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید:بالتعلیم اعسلت ؛((من برای تعلیم فرستاده شده ام . (4))و نقش معلم از نظر تربیتی به قدری حساس و با اهمیت است که امام علی (علیه السلام) فرمود:((کسی که خود را در مقام راهبری مردم قرار می دهد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران بپردازد، به تعلیم خویش اقدام کند و تاعدیب او به عملش پیش از تاعدیب به وسیله زبانش باشد. کسی که معلم و ادب کننده خویشتن است ، به احترام سزاوارتر از کسی است که (فقط) معلم و مربی مردم است (5)).

بنابراین ، معلمی کاری است دشوار و مهم و رسالتی است بس بزرگ و هر کسی را توان پذیرش این مسؤ ولیت خطیر نیست ؛ سوز و درد می خواهد، عشق و احساس می طلبد، صبر و تحمل می باید، چرا که هر چیزی که قدر و منزلتش والاتر است ، مسؤ ولیتش هم سنگین تر و مهم تر است . تعلیم و تربیت انسانها از ابتدای تولد آغاز می شود و شاکله وجودی آنان در کودکی شکل می گیرد.

العلم فی الصغر کالنقش فی الحجر (6) ((دانش در کودکی ، همانند نقشی در سنگ است)).

و یو من لم یتعلم فی الصغر لم یتقدم فی الکبر (7) کسی که در کودکی نیاموزد، در بزرگی نمی تواند جلو بیفتد.

معلم واقعی ، کسی است که به شاگردانش شخصیت دهد و آنان را از عاداتها و احوالنا از روشهای نادرست خانه و خانواده و محیط و اطرافیان باز دارد. در واقع ، بزرگترین رسالت معلم ، که از گفتار و کردار وی ظاهر می شود، همان شخصیت دادن به دانش آموز است . معلمی که بتواند بین خود و شاگردانش پل دوستی برقرار سازد و با آنان صمیمی گشته و برخوردی سرشار از شادی و امید، محبت و بزرگواری داشته باشد، موفق است . این شیوه در اندیشه و کردار فراگیرنده ، تاءثیر فراوان بر جای گذاشته و در قلب و روح او نفوذ می کند.

در طول تاریخ ، انسانهای بزرگ ، بخش اعظم شخصیت و موفقیت خود را نتیجه بهره گیری از

اساتید و معلمان آگاه و با ایمان و بزرگوار خویش می دانند.

برای يك معلم فرهیخته ، معلمی شغل و حرفه نیست ، بلکه ذوق و هنری است که ریشه در اعماق روح بی تاب انسانهایی دلسوخته دارد و رسالتی است پیامبر گونه ... او باید به اهمیت نقش و وظیفه اجتماعی و الهی خود پی برده و از جهت علمی و اخلاقی ، خود را پر بار نماید و در عمل ، همچون پدر یا مادری دلسوز و مهربان ، پا به پای شاگردانش برای آشنایی آنان در جهت آموختن علم و دانش ، اخلاق و تربیت ، گام بردارد. معلمی که بتواند افکار صحیح را با روشی جالب و در خور توجه ، همچون نسیم بهاری روانه ذهن و اندیشه دانش آموزان سازد، معلم موفقی است . معلم خوب ، کسی است که علاوه بر تسلط کامل به موضوع درسی ، با اصول تعلیم و تربیت ، آشنایی داشته و به پرسشهای دانش آموزان ، جواب مناسب دهد و از مطالعه مستمر و یادگیری مطالب تازه در جهت افزایش معلومات خود دریغ نوزد؛ دانش و آموخته های فراگیر را با واقعیتهای خارج از مدرسه ارتباط دهد و در عمل به آنان بیاموزد که مطالب آموخته شده را چگونه باید در زندگی به کار برد. در برابر بروز مشکلات رفتاری دانش آموزان ، زود قضاوت نکند رفتار و عکس العملهای آنان را به طرز دقیقی ریشه یابی کرده و قبل از هرگونه تصمیم گیری ، علتها را بشناسد و در ارزیابی خود، عامل مؤثر خانه و خانواده و محیط و اطرافیان را در زمینه اختلال یا بهبود وضع روحی و عاطفی دانش آموزان از نظر دور ندارد.

معلم ، محرم اسرار شاگردان است . طبیبی است که درصدد معالجه بیماری نادانی است . معلم ، کسی است که اوقات زندگی اش را وقف آگاهی و رشد و پرورش نونهالان جامعه کرده و همواره در اندوه و شادی ، گرفتاری و شادمانی شاگردانش شریک بوده و راهنمای آنان است ؛ معلمی که مدرسه را جایگاهی مقدس و کلاس درس را عبادتگاه خود می داند و با((وضو))به کلاس درس می رود، تعلیم و تعلم را عبادت می داند و برای توفیق بیشتر و شناخت و هدایت شاگردانش ، در امر تعلیم و تربیت از خداوند مدد می جوید. نونهالان را روحهای بزرگی می بیند که در جسمی بزرگ آشیانه دارند و آنان را آیتی الهی می داند که هر کدام وسیله ای برای تقرب به خدا و نزدیکی به مبداء لایزال الهی هستند.

معلمی که برخوردار از انسانیت دارد و با مهر و عطفیت ، علم و دانش را می آموزد با معلمی که رفتاری خشك و خشن دارد و با زور و فشار، تهدید و ارعاب ، دانش آموزان را وادار به آموختن می کند، تفاوت دارد؛ اولی ، استعداد نونهالان را شکوفا می سازد و دومی استعدادها را کور می کندفان القلب اذا اکره عمی (8) ((براستی که دل اگر به کاری مجبور شود، کور می شود)). معلمی که کارش را هنر و وظیفه اش را رسالتی الهی در جامعه خود می داند با معلمی که((باری به

هر جهت)) بوده و فقط می خواهد ساعتی چند با دانش آموزان به سر برد و هر ماه ، مبلغی را به عنوان حقوق دریافت کند، تفاوت دارد.

معلمی که هم و غم خود را بر این قرار می دهد که ذهن کودکان را همچون انباری پر از معلومات و محفوظات نماید با معلمی که تمام تلاش و کوشش خود را صرف برانگیختن قوه تجزیه و تحلیل و تقویت قدرت تعقل و تفکر کودکان می نماید، فرق دارد.

معلمی که با حلم و بردباری سعی در بیدار کردن قدرت ابتکار و خلاقیت نوآموز در علم و دانش دارد با معلمی که فاقد این تلاش و کوشش است ، متفاوت است .

معلم واقعی ، دانش آموز را فردی محکوم امرها و نهی های خود نمی داند و با او به مثابه يك محکوم ، برخورد نمی کند و از رشد قدرت اظهار نظر او نه تنها ترسی ندارد که خوشحال و شادمان هم می شود.

معلم واقعی ، کسی است که به نوآموزان ، آزادی داده و حدود آن را حفظ می کند و به جای انباشتن ذهن آنان از معلومات و محفوظات محض ، روی فهم و استدلال و قدرت تجزیه و تحلیل و ابتکار آنان تکیه می کند. او به جای فرمان دادن و محکوم کردن دانش آموزان آنان را با رویی باز و لبی خندان راهنمایی می کند و با طرح سوالات و پرسشهای بجا و مناسب به تفکر و تعقل او می دارد و از نمره به عنوان يك حربه تهدید و تطمیع استفاده نمی کند، بلکه آن را وسیله ای برای تشویق و ترغیب در جهت سعی و تلاش بیشتر نوآموزان می داند.

اظهار نظرها و پرسشهای دقیق نوآموزان ، او را خسته و ملول نمی کند و جسارت بیان و تذکر دانش آموزان در باب تناقض رفتار و گفتار معلم ، او را به عصبانیت نمی کشاند و با آنان به رقابت و تلافی بر نمی خیزد.

خلاصه و در يك کلام ، معلم حقیقی با گفتار و کردارش به شاگردان خویش ، چگونه اندیشیدن ، چگونه انتخاب کردن و بالاخره چگونه زیستن را می آموزد. این گونه معلمان ، با کسانی که به دانش آموزان ، آمرانه حکومت می کنند و با زور و فشار می خواهند در روح آنان نفوذ کنند و دادن آزادی را موجب پررویی آنان دانسته و پرسشها و کنجکاوای آنان را آزار و مزاحمتی برای خود تلقی می کنند، تفاوت دارند، چرا که نمی دانند در وادی علم و ایمان ، عشق و محبت ، حلم و بردباری ، آزادی و آزادگی کارساز و راهگشاست .

همان طور که غنچه گلی را نمی شود به زور و فشار به صورت گل شکوفا شده ای در آورد، در امر تعلیم و تربیت روح لطیف انسانی نیز عامل زور ناموفق است ، چرا که در دلهای انسانها تمایل به استعدادهایی نهفته است و معلم واقعی ، کسی است که بتواند از راه آن تمایلات قلبی ، وارد شود

(9) و آنها را پرورش دهد.

معلمی موفق است که بداند تشویق و ترغیبها را در کجا به کار برده (10) و از تذکرها و تحذیرها در کجا استفاده نماید تا موجبات رشد و کمال دانش آموزان را فراهم ساخته و از دلسردی و سستی آنان در امر تحصیل علم و دانش و درس و مدرسه جلوگیری نماید.

درس معلم اربود زمزمه محبتی

جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را

در این صورت است که فراگیر، احساس می کند که گمشده خود را پیدا کرده و شوق و امیدی برای آموختن علم و دانش در دلش جوانه می زند و همین احساسات، او را در طی مراتب عالیه تحصیلات و پیمودن مدارج بالای علمی، علاقه مند ساخته و یاری خواهد کرد.

بنابراین، اولیا و والدین باید آگاه باشند که فرزندان معصوم و گلهای پاک خود را به دست چه کسی می سپارند و خمیر مایه وجودی آنان را از ابتدا در اختیار چه کسی قرار می دهند.

تجلیل و سپاس از معلم، زمانی امکان پذیر است که شخصیت و مقام حقیقی وی شناخته شود و پس از شناخت است که وظیفه اولیا و والدین در بزرگداشت مقام معلم، معین و مشخص می گردد، زیرا تجلیل و سپاس از مقام معلم بدون آشنایی و شناخت قدر و منزلت آنان معنا ندارد.

اولیا و والدین محترم پس از آشنایی با نقش معلم در جامعه و شناخت وظیفه حساس و کاری او در رشد و پرورش نونهالانشان، می توانند از وی تجلیل به عمل آورند.

در صورتی که اولیا بتوانند زمینه و امکانات رشد این ارزشها را فراهم ساخته و با هماهنگی و همکاری بی دریغ خود با مدرسه و معلم، در جهت به انجام رسانیدن این رسالت و مسؤ ولیت بزرگ نسبت به سرمایه های عظیم انسانی، نقشی سازنده داشته باشند....

می توان گفت: گامی کوچک در جهت تجلیل از مقام رفیع معلم برداشته شده است.

رهنمودهای عملی و کاربردی قرآن برای دستیابی به ویژگیهای معلم مطلوب

آگاهی

- آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند برابرند؟ (11)

تواضع و فروتنی

خداوند به من وحی نمود (که به شما اعلام کنم تا) تواضع و فروتنی را پیشه خود سازید. (12)

- در برابر هر يك از مؤ منان که از تو پیروی می کنند، بال و پر فروتنی، فرودار. (13)

رفق و مدارا (حلم و بردباری)

- بیاموزید و در آموزش خود سختگیر نباشید، زیرا آموزگار (با حلم و بردبار) از انسان سختگیر و

مستبد با ارزشتر است . (14)

- نسبت به کسی که به او علم و دانش را می آموزید و یا از او علم فرا می گیرید، نرم خوی و ملایم باشید. (15)

روش نیکو در گفتار و رفتار

- به بندگان من بگو که با یکدیگر به بهترین روش سخن بگویند. (16)

- و چون نادانان ، آنان را مخاطب سازند، به ملایمت و راحتی (با تعادل و سلامت برخورد کنند) سخن گویند. (17)

دوری از تکبر

- به تکبر از مردم روی مگردان ! (18)

میانہ روی و تعادل

- در رفتارت میانہ رو باش و با آرامی سخن بگو! (19)

سعه صدر و آزاد اندیشی

- پس بندگانم را بشارت ده ؛ آنان که به سخن ، گوش فرا می دهند و از بهترین آن پیروی می کنند.

(20)

دوری از تکلف

- پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم): نیستم از آنان که به دروغ ، چیزی بر خود می بندند. (21)

پاسخ بدی دیگران

- بدیهای مردم را به نیکوترین وجه دفع کن ، ما به آنچه آن ها انجام می دهند بهتر آگاهیم . (22)

یادآوری

پس یادآور که تو تنها یاد آورنده هستی و بر آنان تسلطی نداری . (23)

پرهیز از گفتار بدون عمل

آیا مردم را به نیکی فرمان می دهید و خود را فراموش می کنید؟ (24)

آثار توحید در اخلاق و رفتار انسان (25)

هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین (26) اوست خدایی که در میان مردم پیامبری از خودشان مبعوث کرد تا آیاتش را بر آنها بخواند و آنان را تزکیه نماید و کتاب و حکمتشان بیاموزد. گرچه پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

در فرهنگ اسلامی ، مسأله تعلیم و تربیت ، تعلیم و تزکیه ، آموزش و پرورش دو جزء جدایی

ناپذیر از یکدیگر بوده و هدف از بعثت انبیا را تشکیل می دهند. در واقع ، هدف از نهضت و بعثت انبیا تعلیم و تربیت انسانها بوده است .

اولین اصلی که پیامبر بزرگوار اسلام به عنوان محتوای تعلیم و تربیت انسانها اعلام کرد و تا آخرین لحظه های عمر در عمل و رفتار خویش بر آن پافشاری نمود، اصل توحید و وحدانیت خدا بوده است :
قولوا لا اله الا الله تفلحوا... بگوئید خدایی جز الله نیست تا رستگار شوید.

فلاح و رستگاری و نجات بشر در گرو اعتقاد و التزام عملی به وحدانیت و یگانگی خداوند است .
(27) در قرآن بیش از هر چیزی بر یگانگی و یکتایی خدا تکیه شده و این اصل بیش از شصت بار با عبارتهای گوناگون آمده است : لا اله الا الله ؛ لا اله الا هو ؛ لا اله الا انت ؛ لا اله الا انا ؛ ان الهکم لواحد...

لقمان (علیه السلام) در مقام تعلیم و تربیت فرزند خود، اولین اصلی را که بیان می کند، همان توجه به وحدانیت و یگانگی و یکتایی خداست .

یا بنی لاتشرك با الله ان الشرك لظلم عظیمای پسر من ، به خدا شرك موزر ؛ زیرا شرك ستمی بزرگ است .

همچنین حضرت ثامن الائمه ، علی بن موسی الرضا (علیه السلام) هنگام ورود به نیشابور، در آن استقبال با شکوه و تاریخی که مردم از وی به عمل می آوردند، در محیطی که همه چشمها به او دوخته شده بود و همه گوشها مشتاق شنیدن سخنان گهربار ایشان بود، همین جمله را نقل می کنند که پدرم از پدرش و او از پدرش تا به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می رسند که او از جبرئیل (علیه السلام) و او از خدای عزوجل شنید که فرمود: کلمه لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذاب . اعتقاد به این که جز الله خدایی نیست ؛ دژ استوار من است ؛ پس هر کس به این دژ وارد شود از عذاب محفوظ ماند.

این اولین اصلی بود که همه پیامبران (28) بویژه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به عنوان معلم و مربی انسانها در تاریخ بشر، مطرح کرده و با تکیه بر آن ، انقلاب و دگرگونی در جهان بینیا و سپس تحولی در رفتارها و شخصیتها و منش انسانهای عصر جاهلیت به وجود آورد. (29)
اعتقاد به یگانگی خدا و این که همه قوت و قدرت و تائثیرات در عالم به دست اوست ، اولین اصل تربیتی و مهمترین بنای اساسی در جهان بینی و نظام فکری و تعلیم و تربیت اسلامی است .
ایمان و اعتقاد به این اصل ، سبب تصحیح رفتار، اصلاح اخلاق ، تزکیه نفس و پیشرفت و تعالی و رستگاری انسان می شود. همین اصل بود که یقین را در سلمان ، شجاعت را در ابوذر، استقامت را در بلال و انفاق و ایثار را در خدیجه (علیها السلام) و... جلوه گر ساخت .

از دیدگاه تعلیم و تربیت اسلامی، تمامی گرفتاریها و غم و غصه ها و کج رفتاریها و انحرافات بشر در رفتار و اخلاق به علت عدم ایمان و اعتقاد واقعی به یگانگی و یکتایی خداست، چرا که اعتقاد و ایمان به این حقیقت، بازتاب گسترده ای در رفتار و عکس العملهای فردی و اجتماعی انسانها دارد و همواره آنان را از لغزشها و خطاها و انحرافات گوناگون مصون می دارد.

انسانهایی که تنها خدا را در زندگی مؤثر بدانند و به او توکل کنند و تنها او را قاضی الحاجات و کافی المهمات و حاکم بر سر نوشت خود بدانند، خصلتهای پست و حقیر و رذایل اخلاقی همچون: ترس و طمع، حرص و آز، حسد و کبر، عجب و غرور، دروغ و ظلم و تجاوز و یأس و ناامیدی در آنان رشد نمی یابد، زیرا ریشه و منشاء همه این رذایل اخلاقی به عدم اعتقاد و ایمان واقعی به یگانگی و یکتایی خدا بر می گردد.

ایمان و اعتقاد و التزام عملی به این حقیقت که الله آفریدگار جهان و هستی بخش همه موجودات است و تنها او مؤثر در وجود و دست اندرکار سر نوشت انسانها و حاضر و ناظر بر اعمال است، بینش و نگرش ما را نسبت به عالم دگرگون می کند و تحولی در جهان بینی ما پدید می آورد که دامنه تاءثیر آن در اعمال و رفتار و اخلاق و شخصیت ما ظاهر می گردد.

اعتقاد به این که الله حقیقتی است زنده، استوار، دانا، قادر، ازلی، ابدی، یگانه، بی نیاز، مهربان، عادل، مدیر، مدبر، حکیم،... بینش ویژه ای به ما می دهد که جهان را زنده، پویا، با نظم، هدفدار، دقیق و حساب شده بدانیم. در نتیجه، انعکاس این اعتقاد و ایمان در رفتار و اعمال و عکس العملهای روزمره ما و در برخوردهای فردی و اجتماعی، در داخل خانه و محیط کار و جامعه و در مقابل کودک و بزرگسال ظاهر می گردد.

از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت صادق (علیه السلام) نقل گردیده است که ((هر کس ((لا اله الا الله)) را با کمال اخلاص بگوید، داخل بهشت می شود و اخلاصش به این است که اعتقاد به ((لا اله الا الله)) او را از آنچه که خدای عز و جل حرام کرده است باز دارد.)) بدون تردید، بینش توحیدی در تصمیم گیریها و انتخاب ارزشها و روابط با دیگران، اثر می گذارد و بازتاب این بینش در عکس العملها و خلق و خوی متقابل فرد در محیط زندگی و در برابر دیگران ظاهر می شود.

انفاق، ایثار، خوش رفتاری با فرزندان، خوش خلقی با مردم، یاری رسانی به هموعان، ترك حسد، تکبر، غرور، خودخواهی و دیگر رذایل اخلاقی از آثار تربیتی یکتاپرستی و یکتابینی با محتوای عمیق آن است.

تاءثیر گسترده ایمان به توحید در زندگی به سبب این است که انسان، تنها خدا را قبله دل و هدف

خود قرار داده و برای دست یابی به این مقصود همه تلاش و فعالیت خود را معطوف به جلب رضایت او می گرداند، موحدی که به ارزش و اهمیت معرفت الله پی برده است ، طبعاً گرایش به زراندوزی در نظرش بی اهمیت می شود، چون مادیات را تنها وسیله ای برای گذران زندگی می داند نه هدف ، و منصب و مقام را مسؤ ولیتی برای خدمتگزاری ، نه وسیله ای برای فخر فروشی و مال اندوزی و خود محوری .

اینها همه تاءثیر عملی اعتقاد و ایمان به یگانگی و یکتایی خداست .

آنچه که در اخلاق ، تحت عنوان رذایل و فضایل طرح می گردد، به زیربنای اعتقادی انسان مربوط می شود و در واقع ، ظهور رذایل و فضایل اخلاقی در اعتقادات و جهان بینی و نگرش انسان ریشه دارد. انسانی که خدا را حضار و ناظر و مراقب اعمال و رفتار خویش می داند، رفتار و کردارش را همسو با خواست و رضایت او کرده و بدین وسیله به سوی تعالی و کمال حرکت می کند. هیچ نیرویی جز خدا را در عالم مؤ ثر نمی داند از هیچ کس جز او حساب نمی برد و برای هیچ کس جز او کار نمی کند و تنها او را در چشمانش بزرگ جلوه می کند. (30)

نتیجه بازتاب چنین دیدگاهی در انسان ، این می شود که ترس از او رخت بر می بندد، انفاق در او قوت می یابد، مصایب و حوادث زندگی او را تکان نمی دهد و در مقابل آنها بردباری نشان می دهد و همواره سعی و تلاش و همت خود را برای انجام اعمالی مصروف می کند که خدا از او می خواهد و از رفتاری که خدا او را نهی کرده اجتناب می ورزد، زیرا ظهور خصلتهای زشت در آدمی نشانه ضعف توحید و سستی ایمان واقعی نسبت به یگانگی خداست . (31)

رسیدن به کمال اخلاقی امکان پذیر نیست ؛ مگر با شناخت خدا و اعتقاد و ایمان به یگانگی او؛ این شناخت حاصل نمی شود، مگر با تلاش و تفکر در آیات و پدیده های آفرینش ، که یکی از این پدیده ها انسان و نفس انسان است .

شناخت نفس ، موجب پس بردن به عظمت آفرینش و نیل به معرفه الله می شود، از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمود:

من عرف نفسه فقد عرف ربه (32) کسی که خود را بشناسد، خدا را شناخته است .

قرآن هم بر این اصل تکیه دارد: و فی انفسکم افلا تبصرون (33) در وجودتان (نفسهایتان) چرا تامل نمی کنید بصیرت ، تامل و تدبر عمیق در نفس و شخصیت انسان است .

علی (علیه السلام) نیز در این باره می فرماید: افضل المعرفة معرفة الانسان نفسه (34) بالاترین شناخت انسان ، شناخت نفس خودش است .

و نیز می فرماید: لعجب لمن یجهل نفسه کیف یعرف ربه تعجب می کنم از کسی که خودش را نمی

شناسد، چطور خدا را می شناسد؟. (35)

و: من عرف نفسه فقد انتهى الى غاية كل معرفه و علمکسی که خود را شناخت به بالاترین درجه

معرفت و دانش دست یافته است . (36)

با شناخت نفس است که در صدد تزکیه و تربیت خود بر می آیم و اگر نفس را نشناسیم ، نمی دانیم که چگونه و در کجا چه رفتاری از خویش نشان دهیم .

تغییر در جهان بینی انسانها با اعتقاد واقعی و التزامی عملی به توحید و تغییر در رفتار انسانها با تزکیه و تقوا امکان پذیر است ،قد افلح من زکاه... (37) ،،قد افلح من تزکی ... (38) رستگار گشت کسی که (نفسش را) تزکیه کرد.

بنابراین ، شناخت نفس ، معرفت به خدا و تزکیه نفس ، اساس و محور تعلیمات انبیا بوده و در نظام و تربیت اسلامی دو اصل مهم به شمار می روند.

ما معلمان و مربیان که عهده دار ساختن شخصیت کودکان و نونهالان هستیم ، باید خویشتن خویش را بشناسیم و به تربیت و تزکیه آن بپردازیم . شناخت شخصیت و روحیه کودکان به مراتب دشوارتر و پیچیده تر از شناخت خود ما و بزرگسالان است . يك بزرگسال ، احساسات و عواطف خود را به سادگی ظاهر می سازد و بیان می کند، ولی يك کودک خواسته ها و تمنیات روحی و عاطفی پیچیده خویش را نمی تواند به سادگی بیان کند؛ گر - چه به شکلی سمبلیک با رفتار و عکس العملهای خویش آن را اظهار می کند، ولی بسیار پیچیده و مبهم است به گونه ای که جز با آشنایی و آگاهی لازم به اصول روان شناسی و مبانی تعلیم و تربیت اسلامی ، نمی توان به آن پی برد.

طرح و بنای شخصیت کودکان

تصور کنید: اگر شما ندانسته طرح و اجرای بنای ساختمان مسکونی خود را به فردی واگذار کنید و پس از گذشت مدتی ، معلوم شود که فرد مورد نظر، آگاهی لازم را جهت بنا و پی ریزی ساختمان نداشته ، بلکه تنها تماشاگر ساختمانهای دیگران بوده و با این کار خود، هزینه های فراوانی بر شما تحمیل کرده است چه خواهید کرد؟ در حالی که اگر چنین اتفاقی رخ دهد، خسارات مادی بر شما وارد شده ، که جبران و ترمیم آن در طول زندگی امکان پذیر بوده و غیر ممکن نخواهد بود. البته باید توجه داشت که در پی ریزی بنا و ساختمان مسکونی امری نادیده و پوشیده و غیر محسوس وجود ندارد، بلکه آنچه مشهود است و با آنها سر و کار داریم ، اموری محسوس و دیدنی از قبیل گل و آجر، آهن و سیمان ، گچ و آهک و... می باشد.

با این حال ، انجام چنین کاری به اطلاعات فنی درباره پروژه ساختمان - سازی ، تفکر و اندیشه ، برنامه ریزی و تجربه کاری و پی گیری مداوم نیاز دارد تا بتوان به گونه ای مطلوب از عهده بنای

ساختمان بر آمده و به نحو احسن آن را به پایان برد.

اما بسیاری از ما در امر ساختن شخصیت وجودی و پی ریزی بنیادهای تربیتی و شخصیتی فرزندانمان ناآگاهانه و بدون احساس کوچکترین مسؤ ولیتی و بدون صرف وقت و در نظر گرفتن نقشه و اندیشه ای عمل می کنیم و لحظه ای به این موضوع فکر نمی کنیم که بدون شناخت شخصیت کودک و در نظر گرفتن شرایط لازم تربیت و همچنین بدون آشنایی (39) با اصول و مبانی تعلیم و تربیت اسلامی ، گام برداشتن در زندگی ، عواقب شوم و زیانها و خسارتهای جبران ناپذیری در پی خواهد داشت و ما را دچار غم و اندوه و پشیمانی خواهد نمود که در این صورت ، دیگر راه بازگشت نخواهیم داشت . (40)

باری به هر جهت زندگی کردن ، هرگونه برخورد نمودن ، در برخوردها و رفتارهای خانوادگی ، توجه به نیازهای کودکان نداشتن ، اقتضای سن و ظرفیت آنان را در نظر نگرفتن و پایبند به هیچ يك از ارزشهای والای تعلیم و تربیت نبودن ، موجب زیانهای بزرگی می شود به آسانی جبران پذیر نیست ، هر چند به خیال خود، کارهای شخصی مان بسیار خوب و عالی باشد! قل هل ننبتکم بالاخسرین اعمالا الذین ضل سعیم فیس الحیوه الدنیا و هم یحسبون انهم یحسنون صنعا (41) بگو! آیا شما را آگاه کنیم که کردار چه کسانی بیش از همه به زیانشان بود؟ آنهایی که سعی و تلاششان در زندگی دنیا تباہ شده و خیال می کردند که کاری نیکو انجام می دهند.

موضوع تعلیم و تربیت

موضوع تعلیم و تربیت ، ((انسان)) است که پیچیدگی روحی ، لطافت عاطفی ، ظرافت عقلی و دقت احساسی خاصی برخوردار است . عدم آشنایی با روشها و اصول علمی تعلیم و تربیت ، ما را در سرآشینی ، دشواریها و ناهنجاریهای روانی به پیش خواهد برد. مع الاءسف در خانواده ها تربیت فرزندان و کودکان ، معلول خلق و خوی والدین و تابع عادت و عدم آگاهی آنان به مسائل اساسی تربیت است ، که در نتیجه این عدم توجه ، اغلب کودکان از انضباط فردی و اجتماعی محروم بوده و در

زندگی با آداب و اخلاق اسلامی بیگانه فاقد اعتماد به نفس، شجاعت و عزم و اراده اند. پرداختن به خویشتن و احساس وظیفه نسبت به تربیت خود و خانواده خود، اساسی ترین وظیفه ماست، یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا... (42) ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خویش را از آتش جهنم نگهدارید.

این مسأله حیاتی کمتر مورد توجه قرار می گیرد و اکثرا زرق و برقها و مطامع و آرزوهای دور و دراز، ما را از صحیح زندگی کردن غافل کرده و از وظیفه اصلی مان باز داشته است، بطوری که در بر خورد با دیگران رعایت هیچ گونه آداب و اخلاق اسلامی را نمی کنیم و معلوم نیست این آداب و اخلاق، کی و کجا و در چه زمانی باید رعایت شود. هرگز درباره رفتار خود نمی اندیشیم و رفتار و کردارمان در برخورد با اعضای خانواده و افراد جامعه را به حساب نمی آوریم و هیچ گونه مراقبت و محاسبه ای در اعمال خود انجام نمی دهیم و تمام هوش و حواس خود را صرف کارهای به ظاهر مهمتر و پرسودتر و پرموقعیت تر... و آرزوهای دور و دراز و خیالی خود می کنیم و از سود و زیان حقیقی و گذشت عمر خویش غافلیم و محصور در حصار عادتها و خواسته های نفسان و حبسینی عن نفعی بعد املی (43) کارهای واجب و لازم را از جمله کارهای پیش پا افتاده می پنداریم؛ کار با کودکان را از مقوله کارهایی می دانیم که وقت اضافه می خواهد و مربوط به افراد بیکار است؛ دور از شاعن و مقام و موقعیت خود می دانیم که وقتمان صرف کار با کودکان شود و چیزهای مهمتری وجود دارد؛ فرزندان را باید به مادرشان سپرد تا بزرگ شوند، بعد که بزرگ شدند باید درباره آنان تصمیم گرفت و جدی برخورد کرد. در چنین خانواده ای کودک قادر به رشد و تعالی نخواهد بود به علت تسلط و نفوذ حیرت آور برنامه های تلویزیون، ارتباط بین فرزندان و پدر و مادر خانواده، قیچی شده و هر کس شب و روز خود را به دنبال اشتغال خود سپری می کند و هر کس به خاطر خواسته های خود به گرد آرزوهای خویش می چرخد... قرآن می فرماید: والعصر، ان الانسان لفی خسر، الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات....

معلمان و مربیان نسبت به حقوق افراد تحت تربیت خود، مسؤ ولیتی بس بزرگ دارند و باید در راه شناخت و رعایت وظیفه خود نسبت به دانش آموزان سعی و تلاش نمایند، چرا که بدون شناخت و آگاهی، در پی ریزی و سازماندهی شخصیت کودکان، گام برداشتن گناهی است نابخشودنی که دیگر، قابل جبران نمی باشد.

مهمترین وظیفه معلمان و مربیان، شناخت کودکان و درک و تحلیل حالات و رفتار آنان است؛ توجه به این نکته است که در برخوردها و ارتباط خود با کودکان، نهایت صبر و بردباری و تحمل و خویشتن داری را نشان دهند، زیرا به تجربه ثابت شده والدینی که در رفتار با فرزندان از صبر و بردباری و

حوصله کافی برخوردار هستند، بیشتر در فرزندشان نفوذ دارند و بیشتر مورد توجه آنان قرار می گیرند و آنان که در زندگی کم حوصله اند. نمی توانند با فرزندان خود ارتباطی صمیمانه و نزدیک برقرار نمایند.

والدین نباید همیشه انتظار داشته باشند که کودکان، کارها را دقیق و بی اشکال به پایان برسانند. باید همواره از انتقاد و اعتراض نسبت به اعمال و رفتار کودک جدا خودداری کرد و در صورت لزوم با تشویق و ستایش از زحمات و کارهای خوب و تکیه بر نقاط مثبت وی او را راهنمایی نموده و هدایت و ارشاد کرد.

پایه ریزی شخصیت اخلاقی کودک

شخصیت انسان و اساس خصوصیات اخلاقی وی از ابتدای کودکی - بخصوص در سالهای اولیه عمر - پایه ریزی می شود. (44) علاقه فراوان به فراگیری، و انعطاف پذیری عمیق در برابر تاءثیرات رفتار و عکس العملهای والدین و اطرافیان، ویژه مرحله خردسالی و قبل از ورود به دبستان است؛ به همین دلیل، همه معلومات، عاداتها، عکس العملها، ویژگیهای اخلاقی ای که در این دوران، تحصیل می گردد، بطور ریشه دار و مستحکم و عمیق در روح کودک باقی مانده و بنای اصلی شخصیت و سازمان و شاکله وجودی او را تشکیل می دهد و بر اساس آن، شخصیت او شکل می پذیرد. بر اساس تحقیقاتی که به وسیله دانشمندان رفتارشناس صورت گرفته است، بیشتر نابسامانها و بزهدکارهای رفتاری بزرگسالان، نتیجه عدم تربیت و برخورد صحیح در دوران اولیه رشد و آغاز سالهای زندگی است.

در واقع، اساس و پایه اصلی شکل گیری شخصیت انسان در دوران هفت سال اول زندگی است، همان دوران حساسی که کودک در کنار والدین به سر می برد.

این دوران، مهمترین مرحله زندگی يك انسان و به تعبیر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دوران سیادت و آقای انسان به شمار می رود؛ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: الولد سید سبع سنین، و عبد سبع سنین، و وزیر سبع سنین. (45)

این دوران، تنها مقدمه رشد و زندگی انسان نیست، بلکه دوران بی مانند و حساس و پراهمیت يك انسان است و پیش بینی این که طفل امروز در آینده به چگونه انسانی تبدیل خواهد شد تا حدود زیادی با این مساعله در ارتباط است که در سنین خردسالی در دامن چه کسی پرورش یافته و از چه پستانی شیر خورده و از چه مالی تغذیه کرده و در چه محیطی زندگی کرده و با چه کسانی معاشرت نموده و اطرافیان وی چه تاءثیراتی در روح و فکر و قلب او بر جای گذاشته اند؟

اگر کودکی در دوران طفولیت و قبل از دبستان و همچنین دوران ابتدایی و دبستان در خانواده ای پاک و

پر مهر و محبت و سرشار از عشق و ایمان به خدا پرورش یافته و عملاً با روشها و اصول تربیتی اسلام رشد یافته باشد، قدرت تفکر و اندیشه وی در جهت شناخت پدیده های طبیعی عالم و در ارتباط با مبداء آفرینش در جهت درك واقعیت های زندگی به صورتی خلاق پرورش می یابد؛ در حالی که اگر در این دوران پر بار و حساس تربیتی، از چنین موقعیتهایی محروم باشد، جبران آن در سنین بالاتر مشکل و در بعضی از مواقع غیر ممکن است. از وصیتهای امیرالمؤمنین (علیه السلام) به فرزندش امام حسن (علیه السلام) است که می فرماید: انما قلب الحدث كالأرض الخالية ما لاقى فيها من شئ ء قبلته فبادرتك بالادب قبل از یقسو قلبك و یشغل لبك (46) البته دل کودک همچون زمینی خالی است که هر بذری در آن پاشیده شود می پذیرد؛ پس من پیش از آن که قلبت سخت شود و فکرت به امور دیگری مشغول شود، به ادب و تربیت تو مبادرت ورزیدم.

دوران خردسالی دورانی است که اگر کودک در زمینه های مربوط به پرورش عواطف و احساسات، از جمله احساس همدردی، شادی، ابراز مهر و محبت، برقراری ارتباط و سازگاریهای اجتماعی و... تحت مراقبت و تعلیم و تربیت صحیح اسلامی - که از ایمان به اعتقاد به خدا سرچشمه گرفته است - قرار نگیرد، به يك انسان خودخواه و بی عاطفه و عاری از مهر و محبت و حس قدرشناسی در مقابل والدین و سایر خانواده و اجتماع، تبدیل خواهد شد.

تنها با الهام از مکتب گرانقدر اسلام و بهره گیری از دستورها و اخلاق و شیوه زندگی ائمه معصومین علیهم السلام و استفاده از دعاها و سایر آداب و سنن اسلامی در جهت تزکیه و تصفیه روح خویش است که می توان در مواجهه با واقعیت های طبیعی از صبر و استقامت لازم - که ویژه يك انسان مؤمن مسلمان است - برخوردار بود. نباید در انجام رسالت بزرگ تربیت کودکی که خداوند او را برای پرورش و هدایت به دست ما سپرده است، وی را از صحنه های خطر و نگرانیهای زندگی دور نگاه داریم، بلکه باید او را با کمال عطوفت و مهربانی و به تدریج با واقعیت های عینی زندگی آشنا سازیم؛ همچنین نباید سعی و تلاش و هم و غم مداوم ما تنها در جهت تأمین وسایل رفاه و آسایش و راحت طلبیها و خوش گذرانیهای مادی وی باشد، بلکه باید به پرورش روح و روان او بپردازیم، و او را با ارزشها و موازین اخلاق اسلامی آشنا کنیم، به گونه ای که نوجوان تنها خواست و میل خود را در نظر نگیرد، بلکه کم کم با مسائل و روابط اجتماعی آشنا شده و در آینده نسبت به نگرانیها و غم و اندوه گرفتاریهای دیگران متأثر شود و احساس مسوولیت کند و این که چه کمکی به دیگران می تواند بکند برایش اهمیت داشته باشد و با این سخن گرانقدر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) که می فرماید: و من اصبح و لم یهتم بأمور المسلمین فلیس بمسلم (47) آشنا شود.

جوانه های کمک به دیگران از همین دوران رشد آغاز می شود و کودک با مهر و محبت امروز، انسان

ایثارگر فردا خواهد شد. احساسات و عواطف در دوران کودکی، بسیار حساس و لطیف است و در این دوران، شکل‌گیری روابط و درک مسؤ و لیتها و تشخیص ارزشها و اهمیت دادن به آنها و این که آیا در آینده، بینشی مادی یا الهی پیدا خواهد کرد و این که آیا یار و یاور مظلومان و دشمن ستم پیشگان خواهد بود، مشخص خواهد شد.

بالاخره، کمک به دیگران در مقابل حوادث زندگی و توجه به زیردستان و محرومان در پرتو تقرب به خدا تحت تعلیم و تربیت فرهنگ اسلامی شکل گرفته و این ارزشها در کودکی به انسان منتقل می‌شود. از این رو، باید تمام برخوردها و واکنشهای تربیتی خانواده‌ها بسیار حساب شده و در جهت رشد و شکوفایی ارزشهای اخلاقی - اسلامی باشد و در همه حالات و شو و نات زندگی، رفت و آمدها، نشست و برخاستها، خوردن و خوابیدن‌ها،... و در همه لحظه‌های مختلف زندگی که والدین و اطرافیان کودک با وی در تماس هستند، همه و همه باید بطور آگاهانه و بر اساس مبادی آداب و سنن اسلامی، دقیقاً رعایت گردد و تمام حرکتهای و فعالیتها با یاد و ذکر خدا آغاز شود و با حمد و ستایش پروردگار پایان پذیرد.

باید همواره به کودک شخصیت داد و او را در جهت آماده‌سازی و پذیرش و احساس مسؤ و لیت، محترم شمردن شخصیت والای دیگران، درک موقعیت آنان را روحیه ای سخاوتمندانه و کرامت نفس در ارتباط و کمک به دیگران پرورش داد، حتی در زندگی و موقعیت خانواده، کودک نباید خود را جدای از اعضای خانواده تصور کند و در مسؤ و لیتها و کارهای روزمره زندگی - و لو در حد توان - شریک نباشد؟

معلمان و مربیان نیز مسؤ و لیت دارند با طرح ارزشهای والای اخلاقی در قالب قصه‌ها (48) و داستانها و مثلهایی از تاریخ زندگی بزرگان و ائمه معصومین علیهم السلام با زبانی ساده و دلنشین، روح و روان کودک را با پاکبها، و صداقتها، رشادتها، کرامتها، ایثارها و گذشتها آشنا ساخته و صیقل دهند، البته توفیق در این امر مهم، مستلزم برخورداری و آشنایی پدر و مادر، اعضای خانواده و اولیا و معلمان با ارزشهای اصیل و اخلاق و آداب و سنن اسلامی است. این جاست که نظم و انضباط صحیح و برقراری هماهنگی و ارتباط بین دو نهاد (خانه و مدرسه) در طول دوران تحصیل و تعلیم و تربیت از ضروریات است.

متأسفانه برخی از والدین یا مربیان، قادر به درک کامل مفهوم واقعی انضباط و یا نقش بارز آن در رشد و نمو کودک نیستند؛ به همین دلیل در برخورد با کودکان خود نمی‌دانند چگونه قاطعیت را همراه با مهربانی و نظم و انضباط را همراه با نرمش و ملاطفت به کار گیرند؛ در صورتی که بی‌اعتنایی به نظم و انضباط و ادب در تعلیم و تربیت جایز نیست، زیرا نبودن آن به منزله رها کردن تربیت به حال

خود و اتلاف وقت و عمر نونهالان است؛ ((لامیراث کالادب (49))).

انضباط در تعلیم و تربیت نه به منظور محدود کردن و یا تحت فشار قرار دادن شخصیت کودک، بلکه بر خوردی مطلوب و متناسب با سن کودک است، به طوری که بر اساس آن، رفتار کودک شکلی منطقی به خود گرفته و در زمان و مکان مناسب با توجه به تواناییهای پاسخ مناسب ارائه می دهد، و در آینده می آموزد که چگونه از وقت و امکانات خود کمال استفاده را نموده و در کارها اعتماد به نفس پیدا کند.

به موازات انضباط، باید احترام به کودک نیز مورد توجه خاص قرار گیرد، چرا که احترام متقابل، مبنای اساس روابط بین مربی و کودک بوده و در این صورت است که کودک در مقابل دستورها تسلیم شده و از خودسری های بی رویه وی جلوگیری می شود.

خواسته های صحیح و معقول و پیگیر و در عین حال قاطع والدین، کودک را در یافتن روشهای مناسب رفتاری یاری می دهد.

توجه به همه جنبه های شخصیت

چون تعلیم و تربیت اسلامی، توجهی همه جانبه به همه خصوصیات و ویژگیهای آدمی دارد و هدف آن، شکل بخشیدن به کل شخصیت انسان است نه پرورش برخی از جنبه ها و خصوصیات او و غفلت از بعضی خصوصیات دیگر؛ لذا در مکتب اسلام، انسان مؤمن شخصیت چند بعدی دارد و باید در همه زمینه ها استعدادهایش شکوفا شود و از طرف دیگر، يك وحدت و هماهنگی در شخصیت گفتار و کردارش نمایان است.

جریان تربیت در صورتی نتیجه بخش خواهد بود که کودک از محتوای تعلیم و تربیت اسلامی - که تمامی دستورها و آداب و احکام آن در زمینه های مختلف هماهنگ با یکدیگرند - برخوردار گردد و پرورش او نیز با موفقیت انجام پذیرد، زیرا در امر تعلیم و تربیت اسلامی، توجه به بعضی از مسائل تربیتی و غفلت از بعضی دیگر موجب انحراف اخلاقی و پرورش يك بعدی خواهد شد؛ چنانکه در طول تاریخ این امر اتفاق افتاده و شخصتیهای يك بعدی - که برای خود و جامعه مضر بوده اند - جامعه را به انحراف کشانده اند.

مساءله دیگر، هماهنگی بین زمان و اصول تربیتی مناسب است، رعایت این اصل که در چه زمانی چه چیزی را باید به کودک آموخت، موجب موفقیت اولیا و مربیان در امر آموزش خواهد شد.

باید توجه داشت که کودک همواره در حالت تاءثیرپذیری است و این امر تنها منحصر به شرایط معین یا زمان معین آموزش رسمی نمی شود، بلکه در فرصتهای دیگر نیز کودک، تحت تربیت و آموزش غیر رسمی قرار دارد و چه بسا آموزشهای غیر رسمی، تاءثیر بیشتری از آموزشهای رسمی داشته باشند.

عوامل مهم دیگر که در تربیت کودک و شکل گیری شخصیت وی بطور غیر مستقیم و غیر رسمی تاءثیر می گذارند، عبارتند از:

1. نحوه ارتباط و هماهنگی پدر و مادر با یکدیگر.
2. دوستی و معاشرت با اطرافیان ، همسالان ، همسایگان و فامیل .
3. شخصیت‌هایی که در مقابل او قرار گرفته اند و افراد مهمی که کودک در زندگی ، با آنها در تماس و ارتباط است .
4. معیارها و ارزشهایی که کودک بر اساس آن تهدید یا تنبیه می شود.
5. حوادث و مسائلی که در زندگی کودک ، پیش می آید و نحوه برخورد کودک با آنها.
6. ارزشهایی که خانواده و اطرافیان برای کودک مهم جلوه می دهند.
7. چگونگی گذراندن اوقات فراغت .

قبل از ورود به دبستان

کودکان ، قبل از ورود به دبستان ، باید از موقعیت پرورشی مناسبی برخوردار بوده باشند و موفقیت آنان در دوره بعد از دبستان مبتنی بر بهره گیری و کارورزی ، وسعت احساس ، و شناخت تجربی فراوان در درک طبیعت است ، هر چه کودکان از دایره وسیعتری از ادراکات حسی و تجربی بر خوردار باشند، زمینه فراوانی برای درک و تفکر و شناخت در دوران بعد از هفت سالگی خواهند داشت .

از طرفی باید مربیان و معلمان ، توجه داشته باشند که پرورش فکری و آموزشی کودکان می تواند جدای از مسائل عاطفی و احساسی و اخلاقی بوده باشد.

تاءثیر مسائل عاطفی در یادگیری

درک و یادگیری کودک در بسیاری از اوقات ، تحت الشعاع مسائل عاطفی و پرورشی قرار می گیرد و بر اثر برخورد نامناسب والدین یا مربیان با کودک و دلسردی او، تمرکز حواس او در کلاس درس از بین می رود. عدم توجه والدین و مربیان به این موضوع ، ممکن است کودک را در یادگیری مسائل آموزشی دچار مشکل کند و تلاش و علاقه او را از بین ببرد.

مهمترین مسأله در پرورش فکری ، علمی و آموزشی کودکان ، منگی بودن مسائل آموزشی به جنبه های احساسی و عاطفی مورد علاقه کودکان و همچنین توجه به ویژگیهای روانی آنان در این دوران است . در چنین شرایطی کودک با شوق و علاقه معلومات تازه ای دریافت می کند و تلاش خود را برای کشف هر چه بیشتر حقایق افزونتر می سازد.

پرورش فکری کودک با پیوندهای عاطفی و احساسی همراه با جهت گیریهای صحیح والدین و مربیان ،

در عشق به مبداء آفرینش - که سرچشمه همه کمالات است - به اوج خود می رسد و در صورت سازماندهی صحیح برنامه های پرورشی - که بر پایه سنتها و آداب اسلامی استوار است - برنامه های پرورشی کودک نیز نتیجه بخش واقع خواهد شد و به موفقیت خواهد رسید.

آموزش معلومات درسی بدون در نظر گرفتن شرایط عاطفی کودک و بدون پیدا کردن مرکز رغبت و علاقه وی و بدون برخورداری از برنامه ریزی صحیح ، موجب به وجود آمدن معلومات سطحی و فشار خستگی روحی فراوان کودک در کلاس خواهد شد. از طرف دیگر ، والدین باید کودک را در جهت درک صحیح رویدادها و حوادث مختلف و تضاد ارزشها ، که در محیط خانه و مدرسه مورد توجه او قرار گرفته است راهنمایی کرده و یاری دهند.

همچنین پرورش فکری کودک و تربیت وی تا حد زیادی با تاءثیرات رفتار همه روزه والدین و انواع عادتها ، برخوردها و برنامه های مورد علاقه آنها ارتباط مستقیم دارد و ایمان و آگاهی والدین نسبت به اصول تعلیم و تربیت اسلامی ، رعایت سنت و آداب اسلامی در عمل ، چگونگی و روش برخورد صحیح آنان با کودکان ، شرط لازم برای سازماندهی و برنامه ریزی پرورش فکری خردسالان است ، و تنها در صورت عمل به این شرایط است که والدین ، کودک خود را از طریق بهره گیری از راههای مثبت و سازنده ، آماده ورود به مرحله آموزشی خواهند کرد.

والدین باید توجه داشته باشند که آماده کردن کودک برای ورود به دبستان ، نیازمند يك کار پرورشی و تربیتی و تلاشی مستمر در دوران هفت ساله اول است و در سایه وجود آن است که فرزندشان با درک مقدمات ، به سادگی آماده برقراری ارتباط با مربی و همسالانش می شود ، به طوری که با آمادگی روانی تمام و با برخورداری از حس علاقه به کار و توانایی فکری و جسمی و آشنایی در برقرار کردن ارتباط با همسالان ، مهیای ورود به مرحله آموزش می گردد.

بنابراین ، اهداف تربیتی در مرحله دبستان ، عبارتند از: ایجاد زمینه عادت های مطلوب و سنت های صحیح ، به وجود آوردن نودوستی ، برقراری روابط دوستانه بین کودکان و بزرگسالان ، رعایت قواعد و قوانین زندگی ، مهربانی و دلسوزی نسبت به دیگران ، آماده شدن برای قبول مسوولیت های اجتماعی ، علاقه به ارزشهای انسانی و احترام نسبت به بزرگترها.

ایجاد عادت های مطلوب

برای آماده کردن کودک به قبول آداب (50) زندگی و رفتار اجتماعی ، باید مقدمات لازم را از راه ایجاد کششها و انگیزه ها و علاقه ها و ارتباط و تماس دایمی با همسالان خوب از طریق انجام بازیهای دوستانه با آنان ، مورد توجه قرار داده و زمینه ایمان به خدا ، ایثار ، گذشت ، فداکاری ، کمک به دیگران و احساس همدردی را در آنان فراهم کرد. از آن جا که دوران کودکی مهمترین مرحله در شکل گیری

شخصیت اخلاقی انسان است و کودکان از قدرت انعطاف و تاءثیرپذیری بیشتری برخوردارند، تماس دایمی با افراد با ایمان و مؤمن ، بهترین زمینه پرورش در این مرحله سنی است ، که در نتیجه آن ، کودک ، اعمال و افکار و معیارهای اطرافیان را تقلید کرده و با کار می گیرد. این جاست که يك بار دیگر نقش مهم پدر و مادر و مربیان به عنوان الگوهای رفتاری کودکان به روشنی آشکار می گردد. از آن جا که کودک تمامی معلومات ، مهارتها، تواناییها، تصورها، رفتار و اخلاق خود را در حین فعالیتهای غیر رسمی و غیر آگاهانه فرا می گیرد، نه از طریق تذکرهای پی در پی و شفاهی والدین و مربیان و معلمان ، بنابراین ، همه اصول اخلاقی و تربیتی باید از طریق مهر و محبت و با تشویق به کارها، فعالیتهای بازیهای پرورشی غیر رسمی ، پیاده شود تا استعدادها، کسب مهارتها و عاداتی مطلوب و تواناییها در کودک ، شکوفا گردد.

تاءثیر بازی در رشد کودک

بسیاری از والدین و بعضی از مسوولان اجتماع ، از اهمیت و تاءثیر بازیها و سرگرمیها در کودکان غافلند و از فراهم کردن امکانات لازم برای آنها خودداری می کنند و حتی آن را کاری عبث و بیهوده می پندارند. در صورتی که اگر در بازی ، هدفی نهفته باشد، از دایره لهُو و لعب بودن خارج شده و به عنوان يك امر مقدس تلقی می شود، علاوه بر این ، عده ای نیز از بازی برای آسوده کردن خود و در امان ماندن از مزاحمتها و سر و صدای کودکان بهره می گیرند توجهی به جنبه های بد آموزی آن ندارند، در حالی که اشتغال به فعالیتهای و بازیها یکی از ویژگیهای اخلاقی ، روانی و جسمانی این دوران است ، باید توجه داشت ، در صورتی که والدین ، مراقبت و نظارتی بر کارهای کودکان نداشته باشند، ممکن است توسط افراد ناباب به بدآموزی کشیده شوند.

در مدارس و مراکز آموزشی اگر امکانات و وسایل بازی برای کودک فراهم نباشد، به طوری که در ساعتهای ورزش و زنگ تفریح به اندازه کافی فعالیت و جنب و جوش نداشته باشد، انرژی متراکمی که در وجودش نهفته ، تخلیه نشده و آرامش لازم را جهت تمرکز حواس در کلاس پیدا نخواهد کرد، در واقع ، والدین مسؤ ول فراهم آوردن امکانات ، و معلمان و مربیان مسؤ ول هدایت و راهنمای تلاشهای کودکان هستند. باید کنترل و هدایت به گونه ای باشد که آنان در طول روز، وقت خود را بیهوده تلف نکنند و از همکاری و تشویق به بازی و سرگرمی یا کار در اوقات مناسب در جهت آرامش و وسعت بخشیدن به جریان یادگیری و کسب تجربه و رسیدن اهداف عالی تعلیم و تربیت ، مساعدت جویند. به طور خلاصه ، می توان گفت : والدین و مربیان تنها با ایمان و اعتقاد راسخ خود نسبت به مبداء آفرینش و شناخت و تهذیب نفس خویش آشنایی لازم با روان و شخصیت کودک و شناخت اصول و مبانی تعلیم و تربیت اسلامی ، قادر هستند فعالیتهای کودک را در زمینه های احساسی ، عاطفی ،

اخلاقی ، آموزشی و همچنین روابط صحیح وی با همسالان و دیگر افراد اجتماع ، رهبری و هدایت نمایند و برای تحقق بخشیدن به آرمانهای متعالی تعلیم و تربیت اسلامی ، در جهت سازندگی شخصیت نونهالان و فرزندان که سرمایه هایی عظیم و آینده ساز کشور اسلامی می باشند، گامی به پیش نهند.

163 نکته تربیتی ((نکات مهم کاربردی در تربیت کودکان و نوجوانان))

1. مربیان و والدین باید مددکار کودکان باشند و به جای پرخاشگری و ارباب آنان ، با صبر و تحمل و برخوردی محبت آمیز، علاوه بر ایجاد اعتماد به نفس و احساس امنیت در آنان زمینه شکوفایی استعدادهایشان را فراهم سازند.
 2. در دوره ابتدایی تمام فعالیتهای پرورشی - آموزشی باید با تنوع و جذابیت و تواءم با تشویق و سرگرمی باشد و از آن جا که بازیهای کودکان برای رشد آنان ضرورت دارد و وسیله ای بسیار مهم برای تربیت جسم و روح و اندیشه و عواطف و احساسات آنان به شمار می رود، ((هنر مربی گری)) در تربیت نونهالان به کارگیری و تلفیق بازیها با مسائل تربیتی و آموزشی است .
 3. والدین و مربیان باید ساعتهایی از روز را برای پاسخگویی و برخورد صحیح با کودکان و فرزندان خود اختصاص دهند. همچنین باید جهت تصمیم گیری در مقابل در خواستها و یا رفتارهای کودک ، معیارها و ضوابط صحیحی را در نظر بگیرند.
- عدم شناخت صحیح و نداشتن دیدگاه تربیتی درست درباره کودکان و عدم رعایت آداب و سنن اسلامی ، موجب غفلت از ایجاد تحولات عمیق در شخصیت انسان می گردد. متأسفانه بسیاری از والدین و مربیان هنوز هم وظایف خود را درباره فرزندان نشان نمی دانند و با خشونت و بی اعتنایی با آنان برخورد می کنند (51) و حتی والدین و معلمان به جای شکوفا نمودن استعدادهای خدادادی کودکان به تحقیر و تنبیه و سرزنش آنان می پردازند.
- اجبار به کودکان

4. از دستور دادن مستقیم و مکرر به کودکان خودداری کنیم؛ بگذاریم خودش آن گونه رفتاری را که از او انتظار داریم درک و احساس کند.

5. کودکان را بزور و به طور تحمیلی به کاری مجبور نکنید، بخصوص هنگامی که مشغول بازیهای مورد علاقه خود هستند؛ مثلاً، بهترین زمان برای خوابیدن، موقعی است که آنها بر اثر فعالیتهای مورد علاقه شان خسته شده اند. بنابراین، مناسبترین زمان در خواست از آنان، هنگامی است که زمینه های احساس نیاز و علاقه به انجام کاری را در آنها مشاهده کنیم.

6. خصلتهای نیک والدین، بخصوص مادر، همچون سخاوت، شجاعت و... جهت اصلی شکل دادن به شخصیت کودک را در روابط اولیه او تعیین می کند. آزاد منشی والدین که جنبه های مشخصه آن، آزادی دادن به کودکان و هم صحبت شدن و اهمیت دادن به اظهار نظر آنان، و همچنین مشورت و تبادل نظر در تصمیمات خانوادگی است، موجب شکوفایی زمینه های سازندگی، خلاقیت، کنجکاوی و آزاد اندیشی و رهبریت نونهالان می گردد.

7. ارتباط شدید عاطفی کودک با پدر و مادر، او را به سوی همکاری با آنان سوق داده و زمینه اطاعت از فرمانهای آنان را فراهم می سازد، زیرا به تجربه، ثابت شده که کودکان مطیعتر، کودکانی بوده اند که مادرانشان در خصلتهای زیر از سایرین برتر بوده اند:

- 1) نسبت به خواسته های کودک، حساسیت داشته و همواره بدان توجه می کردند.
- 2) کودک را در هر شرایط و موقعیتی پذیرا بودند.
- 3) با تدبیر و سیاست، با وی همکاری می کردند و هرگز اراده خود را با زور و شدت عمل به او تحمیل نمی کردند.
- 4) به کودکان خود احترام می گذاردند.
- 5) در عین ابراز محبت، قاطع و استوار بودند.
- 6) با عدالت و انصاف با آنها و سایر کودکان، رفتار می کردند.
8. هنگام خواب، بهترین زمان برای قصه گویی است که می توان بهترین سرگذشتها را با زبانی ساده برای کودکان بازگو نمود که این خود در شخصیت سازی کودکان، بسیار مؤثر است.
9. درک این مسأله که کودکان به مهر و محبت نیاز دارند به ما هشدار می دهد که برخوردهای خشن و قهرآمیز، موجب انحراف مسیر رفتار عادی کودک گشته و سخت گیریهای بیجا و خواستن تکلیفهای مکرر و دشوار از آنان يك نوع حالت دفاعی همراه با لجابت در آنان ایجاد می نماید، بطوری که آزادی از آنها سلب شده و گاهی برای رسیدن به خواسته هایشان به دروغ، متوسل می گردند.
10. از آن جا که کودک، تحت تاثیر شدید والدین است، رفتار و عادتها و خصلتهای مثبت یا منفی را

از طریق تقلید از والدین کسب می کند. بنابراین ، چنانچه والدین به یکدیگر دروغ بگویند، کودک نیز به دروغ‌گویی کشیده می شود.

11. گرایشها و معاشرت‌های خانوادگی با افراد خوش اخلاق و متدین ، موجب علاقه به مسائل مذهبی و رشد خصوصیت‌های اخلاقی کودکان خواهد شد.

12. از کودکان نمی توان انتظار داشت که پیوسته صامت و ساکت و بدون درخواست و سؤال از ما، در گوشه ای نشسته و فقط به درس خواندن مشغول باشند، بلکه باید به نیاز روحی و جوشش درونی آنان در این دوران پر انرژی و تحرك ، توجه نماییم .

13. کودک رفتار والدین و مربیان را به منزله يك پیام تلقی می کند؛ پیامی که می رساند چه چیزهایی قابل پذیرش و مطلوب و چه چیزهایی نادرست و نامطلوب است . اگر اولیای امور در اجرای خواسته های خود تردید نشان دهند، یا يك بار رفتاری را بپذیرند و بار دیگر آن را رد کنند، در این صورت نونهالان را در يك موقعیت سرگردانی قرار داده اند؛ چرا که در این صورت آنان رفتار مشخصی را به عنوان عمل مطلوب و پسندیده یا نامطلوب و ناپسند نخواهند شناخت و دچار اضطراب خواهند شد.

14. میزان اختیار و آزادی دادن به کودکان در خانه یا در کلاس ، مشروط به حفظ کنترل و انضباط آنان است ؛ بنابراین ، آزادی را در قبال کنترل و حفظ انضباط می توان محك زد.

15. مربیان باید در رفتار و تصمیم گیریهای خود بر پایه استدلال و منطق عمل نمایند و همواره عواقب و پیش بینی ها و آینده نگریهای لازم را درباره تصمیمات و یا دستوریهایی که صادر می کنند، در نظر بگیرند.

16. اولیا و مربیان باید در بر خورد با کودکان ، رفتاری پسندیده و آگاهانه و مبتنی بر آزادی ارائه دهند، نه این که بطور ناگهانی و عکس العملی و انفعالی با آنان رفتار کنند تا اختلافات روانی و رفتاری در آنان پدید نیاید.

17. والدین و مربیان همیشه درباره دستوریهایی که صادر می کنند باید بیندیشند که :

(1) چه چیزهایی اساس تصمیم آنان را تشکیل می دهد؟

(2) اقتضای سنی کودک چه نوع عمل و عکس العملی را می طلبد؟

(3) رغبت و علاقه کودک چه روشی را ایجاب می کند؟

نکات پرورشی در دوره ابتدایی

18. کودکان باید نسبت به رفتاری که مربیان و والدین از آنان انتظار دارند دقیقاً آگاهی داشته باشند.

19. کودکان باید بدانند مقررات مربوط به آنان به چه علت و برای چه وضع شده است و دلیل کارها را بدانند تا بهتر پذیرا باشند؛ در این راستا باید سعی شود هر ضابطه و مقرراتی که وضع می شود، دلیل

منطقی از دیدگاه کودک داشته باشد.

20. به کودکان باید فرصت داد تا رفتار مطلوب و شایسته را مشاهده و تمرین نمایند و بعد از تمرین رفتار خاصی و یا عادت مطلوبی، معلم وظیفه دارد، دلیل درست بودن آن را ذکر نماید.

21. کودکان باید رفتار صحیح را در عمل بیاموزند.

22. مربیان و والدین باید بدانند که عادت شدن رفتار درست، حاصل تمرین و تکرار است که عادات مطلوب در وجود کودکان جایگزین می شود.

23. برای ایجاد عادت مطلوب، پی گیری مداوم از طرف مدرسه و خانه بطور هماهنگ، امری ضروری است.

24. در اولین بار نباید انتظار داشت که کودک رفتار مطلوب را ارائه داده و مطیع هر دستوری باشد، بلکه باید مدتی بگذرد تا مطلب برایش قابل پذیرش و درک باشد.

25. انجام رفتار و کارهای خواسته شده از کودک، باید بر اساس سن و اقتضای ظرفیت وجودی او صورت پذیرد و حتما توانایی انجام کار برای کودک و مربی محرز شده باشد.

26. انتظار رفتاری همانند رفتار بزرگسالان و رعایت میزانهای و معیارهای آنان از کودکان، منطقی نیست و مربیان باید رفتاری متناسب با اقتضای سن کودک از وی انتظار داشته باشند.

27. والدین و مربیان باید بدانند که موقعیتهای می توانند به تغییر رفتار کودکان، بسیار کمک کنند؛ مثلا، برای جلوگیری از اتلاف وقت کودکان در نگاه به تلویزیون، می توان آن را از اتاق هال (جایگاه

عمومی) جا به جا کرده و در محلی دیگر که رفت و آمد در آن کمتر است قرار داد؛ در این صورت با تغییر محیط، کودکان ساعاتی کمتری را برای نگاه کردن به تلویزیون اختصاص می دهند.

ناسازگاری

28. اولیا و مربیان باید بدانند که ناسازگاریهای اجتماعی و عاطفی - که تا دوره نوجوانی ادامه دارد -

ناشی از محرومیتها و کمبودهای عاطفی و بی توجهی والدین در دوره اولیه کودکی است. بنابراین، چنین کودکانی بیش از دیگران ناسازگار بوده و فاقد قدرت و اراده و خویشتن داری می باشند و بیشتر،

رفتاری پرخاشگرانه دارند؛ اغلب حواس پرتی در کلاس داشته و هنگام درس پرتقلا می باشند و حتی

زمانی که از آنها تکالیف درسی خواسته می شود، متوسل به دروغ می شوند؛ وسایل اطراف خود را

خراب می کنند، عصبانی می شوند و دیگران را کتک می زنند، بدون نیاز، درخواست کمک می کنند و حتی روابط اجتماعی سطحی و ضعیفی دارند.

آزادی

29. دادن آزادی به کودکان موجب ایجاد روحیه استقلال طلبانه و کنجکاوی در آنان می گردد. در نتیجه

، تلاش و کوشش آنان در تسلط به محیط، افزایش یافته و دارای روحیه اعتماد به نفس می گردند، بطوری که در برخورد با موقعیتهای جدید، آمادگی استفاده از شیوه های مناسب برای انجام عکس العمل مناسب در وجودشان متبلور می گردد. البته تشویق والدین و مربیان به این امر، کمک به سزایی می کند. 30. والدین و مربیانی که از آزادی و حرکت و تکاپوی کودکان جلوگیری می نمایند، باعث از دست دادن یا ضعیف شدن روحیه کنجکاوی و انگیزه استقلال طلبی و اعتماد به نفس آنان می گردند، تا آن جا که بیشتر آنها حس ابتکار و استقلال خود را از دست داده و در انجام کارها ناتوان شده و فاقد پایداری و استقامت در کارها می شوند و لذا در برابر مشکلات با سختی و دشواری رو به رو گشته و از انجام کارها سرپیچی نموده و مرتب شکایت می کنند. به نظر می رسد علت این کارها فقدان تشویق و آزادی عمل برای کوششهای اولیه دوران کودکی باشد.

پایداری

31. پایداری لازمه یادگیری موضوعات درسی است. تحقیقات به عمل آمده در علوم رفتاری نشان داده است که علت و انگیزه قوی در یادگیری و موفقیت در مدرسه، همان فعالیت و تکاپوی لازم کودکان در دوران هفت سال اول زندگی می باشد. احساس موفقیت در دوران کودکی و کسب تجربه از محیط اطراف خود، از جمله عوامل پایداری و تلاش و کوشش کودک و نوجوان در کسب موفقیتهای آینده زندگی به شمار می رود.

برخوردها

32. برخوردهای ناصحیح والدین، یکی از شایع ترین علت های ناسازگاری عاطفی در کودکان است. اختلاف والدین در دشواریهای امور جنسی، عدم همکاری و درک یکدیگر، اختلاف سن، اختلاف عقیده و همچنین اختلاف دوستان و فامیل و بطور کلی، فقدان روابط محبت آمیز بین والدین در ایجاد ارتباط بی دغدغه و سالم و یا دشواریهای عاطفی و ناسازگاری فردی و مشکلات یادگیری دانش آموزان تأثیر بسزایی دارد.

33. بسیاری از پاسخهای آشکار و واکنشهای عاطفی و رفتاری کودک، بر اثر یادگیری اطرافیان و پاداش تشویقی در خانواده کسب می گردد و در موقعیتهای خارج از خانه نیز تعمیم و گسترش می یابد.

34. همانند سازی یا الگوگیری، مکانیسم اساسی در رشد شخصیت فردی و اجتماعی انسان است. کودک در ابتدا با همانند سازی خود با والدین و سپس با اطرافیان و مربیان و معلمان خود، شیوه های مهم رفتار و تفکر و احساس آنها را کسب می کند.

35. مهمترین دوران همانند سازی و تقلید، دوران اولیه کودک (بین 7 سال) است.

36. همانند سازی، جریانی است ناخودآگاه که با احساس لذت و آرامش کودک، تداعی می شود و

ارتباطی تنگاتنگ با منبع پاداش دهنده و تشویق کننده دارد؛ بطوری که کودکانی همانند سازی شدید با والدین و یا مربیان خود دارند که آنان را گرمتر و پرمحبت تر و پاداش دهنده تر احساس کنند و این نکته ، گواه بر این است که اساس و پایه همانند سازی در عشق و محبت و احترام والدین و مربی نسبت به شخصیت کودک نهفته است . والدین هر قدر بتوانند با کودکان ارتباطی نزدیک حاصل کنند، در ایجاد این جریان ، موفق تر خواهند بود. والدین پرخاشگر، فرزندان پرخاشگری را پرورش می دهند و همچنین پدر و مادر مؤدب و با مهر و محبت ، کودکان با ادب و پر احساس و با محبتی را تربیت می کنند.

37. والدین و مربیان که مهمترین عامل تاءثیر گذار و الگو دهنده به شخصیت کودکند، اگر در مقابل دیدگان نوجوانان ، بی نظم باشند و از انجام بی قیدی ها و بی بند و باریها هراسی نداشته باشند، چگونه می توانند انتظار داشته باشند که افراد تحت تربیتشان از نظم و انضباط خوبی برخوردار باشند؟

38. تحقیقات نشان داده است که بغرنج ترین مسائل روانی در جوانان به علت نقص و ضعف تربیتی در دوران اولیه زندگی آنان ایجاد گردیده است .

39. پیشنهاد انجام کارهای ساده به کودکان در حد توانایی و علاقه آنان ، موجب می گردد که آنان در به عهده گرفتن کارها، رغبت و اشتیاق بیشتری نشان دهند. بنابراین ، هیچ گاه با مقایسه این که دیگری کاری را بهتر یا سریعتر انجام می دهد، روحیه مسؤ ولیت پذیری را در آنان از بین نبرید.

40. به تجربه ثابت شده که والدین بی توجه و آنان که وقتی را صرف تربیت فرزندانشان نمی کنند، از سوی نونهالان خود جدی گرفته نمی شوند.

41. دخالت در کارهای کودکان باید بطور راهنمایی و ارشاد باشد، نه به صورت امر و نهی تا روح لطیف کودک در سازگاری با عمل ، توافق بیشتری از خود نشان دهد.

42. والدین باید بدانند که کودکان در محیط خانه همواره نظاره گر اعمال و رفتار آنان هستند و شایسته نیست که از این مسأله غافل بمانند، بخصوص هنگام ارتباط زناشویی ، که عدم توجه به این امر، موجب انحرافات بسیاری در نوجوانان حتی در دوران کودکی خواهد شد.

43. يك کودک خجول ، لجوج و گوشه گیر که در خانه ای خشن و محدود کننده و سخت گیر و سرزنش کننده پرورش یابد، ممکن است با ورود به مدرسه ای مناسب و رویارویی با معلمان فهمیده و محیط گرم ، به صورتی سرزننده و خوشحال و خلاق در آید. بنابراین ، تغییر محیط، در وضعیت روحی و روانی کودک تاءثیر مهمی دارد؛ برعکس ، تجارب نامطلوب محیط مدرسه و یا کوچه و خیابان و همسایگان نیز ممکن است آثار مثبت روابط کودک با والدین را تضعیف نماید.

خلاصه ، برخورد با موقعیتهای تازه ، بخصوص در روابط اجتماعی ، در صورت جذاب و مثبت بودن

، به تجدید سازمان شخصیت کودک می انجامد.

44. کودکانی که با محرومیتها و ناکامیهای زندگی ، همچون محرومیتهای خانوادگی و ناملایمات و سخت گیری های محیط آموزشی و محدودیتهای فضای بازی و عدم وجود وسایل و امکانات تفریحی و سرگرمی و... رو به رو می شوند، در اکثر اوقات ، واکنشهای پرخاشگرانه و انزواطلبانه ای از خود، نشان خواهند داد.

بالعکس ، برخورداری کودک و نوجوان از همبازیهای مناسب و امکانات فضا و موقعیتهای مختلف و همچنین برخورداریهای عاطفی و روانی و تشویقی ، موجب رشد متعادل روحی و روانی گردیده و همواره روحیه ای شاد و عزمی استوار و رفتاری اجتماعی و مورد پسند در آنان به وجود می آورد. 45. مریبان والدین باید واکنشها و رفتارهای نوجوانان را، که موجب ناسازگاری و ناکامی می شود و آنها را تحت فشار قرار می دهد، احساس کرده و فوراً به گونه ای عاقلانه ، وی را از چنان موقعیتی خارج نمایند، و همواره با بحث و گفتگویی دوستانه او را راهنمایی و ارشاد کنند. تنبیه و برخوردهای خشن در این موقعیت ، سبب پرخاشگری بیشتر، ایجاد بیماریها و ناسازگاریهای روانی دیگر خواهد شد.

46. تاءثیر پذیری کودکان و نوجوانان تنها در رابطه با شخصیت پدر و مادر منحصر و محدود نمی شود، بلکه دوستان و اطرافیان ، همسایگان ، فامیل و یا دیگر همسالان در همه دوره ها بر رشد شخصیت کودک و نوجوان اثر می گذارند؛ به عنوان مثال ، تماشای فیلمهای تلویزیونی و سینمایی و... سبب همانند سازی با شخصیت قهرمانان فیلمها می گردد و در صورت منفی بودن آنها آثاری منفی در رفتار و کردار نوجوانان برجای می گذارد.

47. اساس شخصیت انسان در دوران کودکی - بخصوص سالهای اولیه عمر - که در دامن پدر و مادر، بزرگ می شود پایه ریزی شده و بعد از آن مراقبتهای ویژه والدین و محیط دوستان و همسالان تاءثیر بسزایی در موفق یا ناموفق بودن شخصیت انسان دارد.

48. والدینی که در ارتباط خود با فرزندانیشان از روابطی گرم برخوردار بوده و مهر و محبت خود را مشروط به رفتار خوب کودک کرده باشند، کودکانشان به گونه ای رفتار می کنند که نشان دهنده رشد کافی آنان می باشد، زیرا این کودکان ، از دست دادن محبت والدین را فقط در رفتار خود احساس می کنند و بندرت مرتکب رفتار بد می شوند، زیرا رفتار بد خویش را بابتی مهربانی والدین احساس می کنند، بسیاری از سرخوردگیها و سرپیچی ها و بزهداریهای نوجوانان ، معلول همانند سازی با معیارها و میزانهای اخلاقی خانواده می باشد.

کسب عادت

49. از آن جا که کودکان ، عاداتها و عکس العملهای رفتاری را در طی سالهای متمادی و در طول گذشت زمان به دست می آورند، به تربیتی مداوم و مستمر و مبتنی بر انضباط فردی و رفتار اجتماعی نیاز دارند؛ به طوری که اگر اساس و بنیان این رفتارها بر نظم و انضباط استوار نباشد، آموزش و عاداتهای مطلوب در آنان شکل نخواهد گرفت ، زیرا رفتار کودک ، تحت تاثیر اطرافیان ، بخصوص پدر و مادر شکل می گیرد و در طی گذشت زمان با تاثر از واقعیات پیرامون خویش در موقعیتهای مختلف به صورت عادت در آنها باقی می ماند.
50. صداقت و درستکاری از مواردی است که باید قبل از سنین ورود به دبستان به آن توجه شود و در دوران دبستان تقویت شده و توسط معلمان و مربیان ، هدایت و جهت داده شود.
51. برای این که نونهالان را درستکار تربیت کنیم ، ابتدا باید نسبت به اعمال و رفتار خود، نهایت دقت و مراقبت را داشته باشیم ، سپس کودکان را تحت مراقبت مستمر قرار دهیم ، زیرا تربیت در اجتماع ، همواره به گونه های مختلف ، وجود دارد.
- احساس عاطفی
52. کودکان خود را با انجام کارهای مفیدی که بدان علاقه دارند ترغیب و تشویق نمایید، زیرا احساس شادمانی و غروری که در وجود آنان از انجام کاری ناشی می شود، با هیچ خواسته ای برابری نمی کند.
53. با ابراز محبت ، کودک خود را از علاقه شما نسبت به او ، آگاه نمایید و با فراهم کردن وسایل و امکانات لازم در موقعیتهای مختلف زندگی ، او را در وسعت بخشیدن به تجربیاتش یاری دهید. این امر موجب شکوفایی استعدادهای وی در آینده خواهد شد.
54. کودکان خود را بنا به ظرفیت روحی و جسمی مناسب وی پرورش دهید و به طریق صحیحی با اصول اعتقادات اسلامی آشنا سازید. به طوری که همزمان با رشد جسمانی ، پیوند او با این اصول محکمتر گردد.
55. غذای مناسب و تهیه آن از راه حلال ، استراحت و مکان مناسب و سرشار کردن روح کودک از مهر و محبت ، سلامتی کودک و رفتار متعادل وی را در آینده ، تضمین خواهد کرد.
56. بازیهای فراوان با کودکان و مشارکت دادن آنان در کارهای خانه و تعریف داستانهای شیرین مربوط به بزرگان دین ، همراه با محیطی صمیمی و سرشار از شادی و نور ایمان و امید، موجبات سلامت و بهداشت روانی کودکان را فراهم خواهد ساخت .
57. تقویت اعتماد به نفس در کودکان ، محرکی است که می تواند آنان را در انجام بهترین کارها یاری دهد.

58. اگر اعتماد به نفس از کودک سلب شود، کودک در خود احساس ناامنی کرده و شوق و اشتیاق انجام هیچ نوع کاری را نخواهد داشت و اگر این وضعیت ادامه یابد، کودک به فردی ناتوان و بی مصرف تبدیل خواهد شد.
59. از راه تشویق و متمایل ساختن به (52) کارهای خوب و نکات مثبت اخلاقی و عدم سختگیری (53) در کودک و نوجوان می توان وی را به سعی و تلاش واداشت ، کودک در سایه ایجاد امنیت ، احساس آرامش نموده و استقلال شخصیتی اش رشد خواهد نمود.
60. به کودکان احترام بگذارید، زیرا هر فرد انسانی خواستار این است که از طرف دیگران مورد احترام و اهمیت واقع شود.
61. کارهای مثبت کودکان را همواره مورد ستایش قرار دهید و به آنها بفهمانید که دوستشان دارید.
62. هرگز به کودکان نگویید که اصلاً قادر به انجام فلان کار نیستند، بلکه باید تشویق کنید که با تلاش و فعالیت ، قادر خواهند بود که هر مشکلی را هموار ساخته و در برخوردها موضع مثبتی اتخاذ کنند.
63. والدین باید در عمل ، به نوجوانان بیاموزند که در جستجوی تجربیات تازه تری باشند و عملاً به اهداف ارزشمند، اهمیت قائل شوند.
64. والدین و مربیان باید به نوجوانان کمک نموده آنان را راهنمایی کنند تا بتوانند نقاط ضعف و قوت خود را تشخیص دهند و در بر طرف کردن ضعف و تقویت نقاط مثبت خود بکوشند.
65. حتی الامکان به نوجوانان اجازه دهید و آنها را تشویق کنید که کارهای کوچکی را خودشان انجام دهند، مانند: پوشیدن کفش و لباس ، جمع آوری وسایل کیف و آمادگی جهت رفتن به مدرسه و.... زیرا اجرای این برنامه بنیاد اعتماد به نفس را در آنان پی ریزی خواهد کرد.
66. هرگز والدین و مربیان نباید نوجوانان را با برچسبی ناروا برنجانند و یا با گفتاری باعث رنجش خاطر آنان شوند. کودکان در برابر صفاتی نظیر خنگ ، تنبل و امثال آن بسیار حساس هستند و اگر این القاب به آنان نسبت داده شود، بزودی باورشان خواهد آمد که برآستی آنان دارای چنین صفتی هستند.
67. والدین و مربیان مسؤ ول هستند که از سنین طفولیت و در موقعیتهای گوناگون ارزش ها و ضد ارزشها را به کودکان خود بیاموزند و در کارهای آنان این امر را گوشزد نمایند.
68. والدین که در صدد فراهم کردن وسایل و امکانات آینده فرزندان خویش می باشند، باید بدانند که هیچ ارث و میراثی بالاتر از تربیت و ادب برای فرزندان به جای نخواهند گذاشت . (54)
69. والدین و مربیانی که در حضور دیگران مجال اظهار نظر و ابراز احساسات را به نوجوانان نمی دهند و اغلب انتظار دارند که آنان در محیط خانه یا کلاس ، ساکت بوده و تسلیم خواسته ها و گفته های بی چون و چرای آنان باشند، چگونه از نونهالان خود انتظار دارند که در آینده بتوانند این حصار را

شکسته و حق خود یا دیگران را به طرز منطقی مطالبه کنند؟

70. ایجاد يك ارتباط مستحکم بين پدر و مادر در خانه ، و بين معلمان و مربیان در مدرسه ، در ارائه روش و برخوردی هماهنگ ، از اساسی ترین پایه های تربیتی در رشد شخصیت نوجوانان محسوب می شود.

71. ایجاد ارتباط با نوجوانان مستلزم صرف وقت است و والدین و مربیان بایستی بخشی از اوقات مفید خود را به این امر اختصاص دهند.

72. والدین و مربیان برای افزایش قدرت تشخیص در نوجوانان باید برای آنان احترام قائل شوند، بطوری که آنان باور کنند که وجود دارند و می توانند بیندیشند، استدلال نمایند و نظریات خود برای دیگران تشریح کنند.

73. والدین و مربیان مسؤ ولیت دارند که نوجوانان را از وقایع پیرامون خود آگاه ساخته و برای آنان توضیح دهند که در محیط پیرامونشان چه وقایعی در شرف انجام است .

74. پافشاری و استواری در عقاید صحیح و پی گیری مستمر در مورد وظایف محوله به نوجوانان ، موجب استواری نظر و ثابت قدمی آنان در زندگی خواهد شد.

75. یکی از زمینه های ایجاد اعتماد نسبت به والدین و مربیان در نوجوانان پایبندی آنان نسبت به قول و عهد و وفادار بودن آنان است . زمانی که وعده ای داده می شود، باید حتما به آن عمل شود و هرگز با گفتن عباراتی همانند: خوب حالا ببینیم چه می شود و... آنان را سرگردان نکنید.

76. هنگامی که به نوجوانان دستوری می دهید، سعی کنید تا حد امکان زمینه انجام آن عمل فراهم باشد و در حد قدرت و توانایی آنان باشد.
77. خواسته های مربیان و والدین از نوجوانان ، باید واضح ، صریح و قاطع بوده و حتی جزئیات انجام آن برایشان دقیقاً روشن باشد.
78. از عوامل مهم در امر تعلیم و تربیت ایجاد ارتباطی مناسب ، همراه با نرمی و ملاحظت نسبت به نوجوانان است ؛ تا جایی که ممکن است نباید نسبت به آنان سختگیر باشید و در غیر این صورت با داشتن رفتاری غیر واقعی و نوعی بیگانگی از والدین و مربی ، نوجوانان دچار ناسازگاریهای اجتماعی زیادی خواهند شد.
79. نوجوانان زمانی تمایل بیشتر به ایجاد ارتباط با دیگران دارند که در خانه و خانواده به آنان اهمیت داده نشود و احساسات و افکار آنان درك نشود.
80. پدر و مادر نباید در حالی که مشغول انجام کاری هستند با بی توجهی و بی اعتنایی ، فرزند خود را طرف صحبت قرار دهند. گرچه پدر و مادر در بسیاری از اوقات به نوعی گرفتار و درگیر مسائل خود هستند، ولی مهمتر از هر کاری ، اختصاص وقتی برای دلجویی از فرزندان است . صرف وقت برای فرزندان از حقوق مسلم آنان نسبت به والدین است .
81. متأسفانه والدین ناآگاه که بیشتر اوقات خود را صرف رسیدن و پرداختن به کارهای شخصی و آمال و آرزوهای دور و دراز خود می کنند، گذاشتن وقت برای صحبتهای فرزندان را کاری بی ارزش و عبث و گاهی اتلاف وقت می دانند؛ غافلان این که در مقابل فرزندان خود حقی (55) و وظیفه ای شرعی و اجتماعی دارند و والدین با کوتاهی در این زمینه ، زمینه انحراف فرزندان را با دست خود فراهم خواهند کرد.
82. پدر و مادر اگر برنامه ریزی درستی در تقسیم اوقات خود داشته باشند، ایجاد ارتباط با فرزندان هرگز لطمه ای به انجام دیگر وظایف آنان وارد نخواهد کرد.
83. والدین و مربیان باید بدانند که فرزندان نیازمند آنند که به حرفهایشان گوش فرا داده شود انجام این امر به قدری اهمیت دارد که با هیچ ارزش دیگری قابل مقایسه نخواهد بود و از نظر روانی ، مناسبترین اوقات برای صحبت با فرزندان هنگامی است که به رختخواب رفته اند و می خواهند بخوابند. با شرح داستانهای جالب می توان ارزشهای والا را در ذهنشان جایگزین کرد. البته فرصت زمان بعد از صرف نهار و شام نیز وقت مناسب دیگری می باشد.
84. فرزندان که از طرف والدین خویش درك نمی شوند و حتی با وجود تمام امکانات رفاهی و سرگرمیهای مختلف ، باز هم احساس تنهایی می کنند و اگر این حالت ادامه یابد، عواقب ناخوشایندی

در بر خواهند داشت؛ بخصوص زمانی که بزرگتر شوند و قدرت درک و تحلیل آنها بیشتر شود، والدین را به عنوان محرم راز خود به حساب نمی آورند و در نتیجه، این جدایی و تنهایی، عدم احساس امنیت روحی آنان را در پی خواهد داشت و با این وضعیت نمی توان از آنان انتظار آینده ای درخشان داشت.

85. یکی دیگر از نتایج سوء، عدم درک و ارتباط محبت آمیز با فرزندان از بین رفتن استعدادهای فرزندان است، زیرا با وجود چنین ارتباط نامطلوب بین والدین و فرزندان آنان موفق نمی شوند فرزندان را در زمینه های مورد علاقه و استعدادهایشان هدایت و کمک و ارشاد نمایند.

86. والدینی که با فرزندان خود رابطه نزدیک و محبت آمیز دارند، نه تنها قادرند از مشکلات روحی آنان با خبر شوند، بلکه این امر سبب خواهد شد که از استعداد و تواناییهای فرزندان خود نیز آگاهی یافته و با ارائه راهنماییهای لازم، موجب شکوفایی استعدادهای آنان شوند.

87. بهترین راه برای شکوفایی استعداد و خلاقیت و جوانان این است که مربیان و والدین دقت و مراقبت کنند که کودک در انجام چه کارهایی رغبت و تمایل بیشتری نشان می دهد و توانایی و کار آنان در چه زمینه ای بازده بیشتری دارد؛ از این طریق می توان بهترین راهنمایی ها را ارائه داد.

88. راه دیگر شکوفاکردن استعدادهای نوجوانان و نونهالان، توجه مربیان و والدین به سرگرمیهای آنانست، زیرا کودکان و نوجوانان بطور ناخودآگاه و خارج از هرگونه اضطرابی، هنگام بازی و فعالیتهای مورد علاقه خود، استعدادهای نهفته خویش را آشکار می کنند.

89. در انجام فعالیتهای سرگرمی های مختلف کودکان و نوجوانان باید توجه داشت که بعضی از آنان به مطالعه رو می آورند، عده ای تمایل به ساختن وسایل فنی دارند، گروهی به خطاطی و نقاشی علاقه مندند و عده ای به خواندن قرآن با صوتی ملیح، رغبت نشان می دهند؛ در این میان، پدر و مادر می توانند در جهت دهی و تشویق آنها نقش عمده و سازنده و تعیین کننده ای را ایفا کنند. البته نباید به طور سطحی برخورد کنند، یا قضاوت عجولانه نمایند، بلکه با کمک مشاور و معلمان مدرسه و پی گیریهای مستمر در دوره راهنمایی می توانند به این مسأله پی ببرند. علاوه بر این، زمانی این استعدادهای شکوفا خواهد شد که افراد در جهت استعدادهای مطمئن خود هدایت شده باشند و والدین زمانی می توانند در این زمینه کمک کنند که همواره از درک فرزندانشان عاجز نباشند.

مسائل اخلاقی و تربیتی

90. گاهی اوقات پدر و مادر با تحمیل فشارها و سختگیریهای بی مورد اجازه نمی دهند که فرزندانشان در مواجهه با واقعیتهای زندگی، درد و رنج و کمیوهای خود را احساس کنند و به طور معمول استعداد و تواناییهای خود را ارزیابی کنند و به کار اندازند؛ این گونه برخورد رشد و بلوغ اجتماعی کودکان را به تاخیر می افکند و آنان را در اداره امور خویش ناتوان و درمانده نگه می دارد.

91. والدین باید خود از قوه تجزیه و تحلیل مسائل برخوردار بوده و به فرزندان خود نیز چنین روحیه ای را آموزش بدهند تا آنها نیز با مسائل بطور منطقی و عملی و توأم با تجزیه و تحلیل برخورد نمایند. همچنین پدر و مادر باید محور رغبتها و علاقه های فرزندان خود را پیدا کرده و مطالب را با زبانی ساده و با ایجاد شرایط مورد نظر با آنان در میان بگذارند.
92. باید توجه داشت که انسانها متفاوت هستند و هر يك بر اساس موقعیتهای زندگی و شرایط زیستی و استعدادهای ذاتی و هوشی، زمینه کار تحصیل در رشته مناسبی را دارند؛ بنابراین، والدین نباید این مسأله را از نظر دور داشته و تنها بر اساس خواسته ها و انتظارات خود عمل کنند و کمیوهای روانی خود را از طریق فرزندان جبران نمایند.
93. ارج نهادن به زحمات فرزندان در امور درسی و یا کاری در مدرسه و یا منزل از مهمترین عوامل رشد اعتماد به نفس آنان به حساب می آید. در واقع، تقدیر کردن از سعی و تلاش فرد در موارد خاص از مهمترین عوامل هدایت او به موقعیت مناسب و مورد علاقه او خواهد بود.
94. در نظر نگرفتن وضعیت سنی و توان و استعداد معین کودکان و نوجوانان و بی توجهی به پیام قرآن و لایکلف الله نفسا الا وسعها (56) و برخورد نامعقول با آنان در محیط خانه و مدرسه توسط والدین و مربیان، نتایج نامطلوبی به بار خواهد آورد، بطوری که موجب دلسردی آنان در امر تحصیل و عدم موفقیتشان در زندگی آینده خواهد گشت.
95. در تعلیم و تربیت و در برخورد با انسانها، اظهار محبت و نرمی، ملاحظت و مهربانی و دوستی همراه با عکس العملهای منطقی و قاطع ثمر بخش است، نه برخوردهای سخت گیرانه و خشونت آمیز.
96. والدین و مربیان باید بدانند که کودکان، موجودات معصومی هستند که برای مدتی در دست ما به صورت امانت قرار دارند، همچنین وسیله آزمایش ما هستند؛ حقوقی دارند که باید رعایت شود، نباید با برخوردی خشن، روح کنجاو و لطیف آنان را مکرر ساخت.
97. والدین تا آن جا که ممکن است باید خود را برای برخورد با سوالات فرزندانشان آماده سازند و با ارائه پاسخی مناسب، روح کنجاو او را اقناع کنند.
98. اگر پسر یا دختر خردسالی، درباره بارداری و تولد کودک از مادر سوال کند، مادر باید درباره این تغییر فیزیکی که در وی ایجاد شده و کنجاوی کودک را برانگیخته است، جواب مناسبی بدهد، به گونه ای که هم صادق باشد، هم روح کنجاو او را سرکوب نکند. اما اگر پدر و مادر به نوعی از دادن جواب، شانه خالی کنند، کودک بر اثر روح کنجاوی که دارد، پاسخ خود را از هر طریق دیگر، ولو از افراد ناباب و به نحوی مفسده بار پیدا خواهد کرد و این، مقدمه تفکر در مسیر غلط خواهد بود.
99. با کودکان خود نباید رفتاری موسمی و دمدمی داشته باشیم و تنها در بعضی از اوقات نسبت به آنان

عشق بورزیم ، مهر و محبت در هر شرایطی از جمله احتیاجات و نیازهای روانی کودک است ، حتی زمانی که مرتکب عمل خلاف می شوند، ولی باید دانست که قهر ما به خاطر محبت به او می باشد. باید از خداوند مهربان بیاموزیم که او چگونه مهر و محبت خود را نسبت به همه انسانها و در هر شرایطی ، حتی زمانی که گناهکار باشند، مبدول می دارد.

100. فرزند شما نباید احساس کند که محبت شما به او امری ناپایدار و مقطعی است و هنگام گرفتاری و یا ارتباطهای اجتماعی و جمعی و یا در میهمانیها و... توجهی به او ندارید و یا تنها هنگام درس خواندن به او توجه می کنید. باید در هر شرایطی با فرزندان خود با مهر و محبت و از روی عاطفه قلبی رفتار کنید تا ارتباط شما به آنان مستحکم تر شود و در راهنماییها و ارشادها به نظر شما بیشتر اهمیت داده و ارزش قائل شوند.

101. در اظهار مهر و محبت ، نباید تنها به بیان کلمات تشویق آمیز اکتفا شود، بلکه ابراز علاقه باید در اعمال و رفتار و والدین بروز خارجی داشته باشد. باید طوری عمل کنیم که فرزندان احساس کنند برای ما مهم هستند. باید طوری عمل کنیم که فرزندان احساس کنند برای ما مهم هستند. اگر کاملاً به حرفهای آنان گوش فرا دهیم . آنان هم بطور متقابل یاد خواهند گرفت که در حال صحبت با دیگران دقت و توجه کافی به سخنان آنها داشته باشند. سعی نکنیم همیشه از يك موضع منفی با آنان برخورد کنیم و یا پیوسته گفتار آنان را قطع کرده و یا آنان را سرزنش نماییم . بلکه بهتر است با برخوردهای گرم و عطف آمیز، در او امنیت خاطر ایجاد کنیم و با همدردی ، به حرکت آنان جهت دهیم و آن را تصحیح کنیم .

102. اگر بعضی از اوقات کودکان خطایی مرتکب شوند (مثلاً کلمات زننده ای بر زبان بیاورند) يك بار به آنان تذکر دهید و بعد هیچ توجهی به آنان نکنید. عدم توجه شما باعث ترك این عادت خواهد شد. سکوت در مقابل بعضی از رفتارهای کودکان و نوجوانان ، گاهی به اندازه هزار موعظه و تذکر ، ارزش و تأثیر دارد. معلمان و مربیان باید این حقیقت را در نظر بگیرند، بخصوص در کلاس ، بعضی مواقع واکنشهای بیجا و نامناسب دانش آموزان با سکوت معلم برطرف می شود و دیگر تکرار نمی گردد.

103. بعضی اوقات درس نخواندن و انجام ندادن تکلیف در خانه ، عکس العمل و واکنش منفی کودک در مقابل رفتار والدین است ، چرا که سختگیری بی حد و عدم ارتباط صمیمی و عاطفی والدین موجب می گردد که کودکان در مقابل رفتار خشن آنان موضع گیری کنند.

104. به تجربه مشاهده شده که یکی از علل اصلی درس نخواندن و عقب ماندگی تحصیلی دانش آموزان در مدرسه ، روابط نامطلوبی است که میان پدر و مادر در خانه حکمفرماست .

105. هنگامی که می خواهید کودکان را از چیزی منع کنید، تنها جواب منفی ندهید، بلکه علت نهی

- خود را به صورتی آرام و منطقی در يك جمله کوتاه و روشن بیان کنید.
106. صبر و بردباری (57) والدین و حفظ خونسردی در مقابل رفتار و عکس العملهای فرزندان و به کارگیری تدبیر در زمینه راهنمایی و هدایت آنان نقش بسزایی داشته و در پیشرفت تحصیلی آنان بسیار مؤثر است .
107. پدر و مادر باید بطور عاقلانه از بروز حسادت بین فرزندان جلوگیری کنند؛ مثلاً، هنگام ورود به خانه تنها توجه خود را به شیرین زبانیهای طفل خردسال خود معطوف نکنند، بلکه ابتدا نزد فرزند بزرگتر رفته و احوالپرسی کنند، سپس به طفل کوچک توجه نمایند. (58)
108. والدین و مربیان باید آگاه باشند که کار تعلیم و تربیت کاری است بس دشوار و طولانی، که مستلزم پی گیریهای مداوم، مهارتها و دقتها و ظرافتها و صبر و حوصله فراوان می باشد و در عین حال، باید روش برخورد با نونهالان محبت آمیز بوده و با قاطعیت همراه باشد.
- کوچکترین اخلاف و برخورد و ناهماهنگی بین پدر و مادر یا خانه و مدرسه، سبب بر هم زدن اساس اخلاقی کودک گردیده و آثار نامطلوبی بر شخصیت کودک بر جای می گذارند. هرگز نباید در حضور کودک مجادلات لفظی شدیدی بین پدر و مادر صورت پذیرد.
109. کودکانی که در يك فضای محبت آمیز و تواءم با اعتماد و هماهنگی و احترام متقابل بین والدین رشد کرده باشند، موقع ورود به دبستان و همچنین در دوران دبستان، دانش آموزانی متعادل و مطیع بوده و دوران تحصیلی خود را با موفقیت تمام و بدون ایجاد هیچ گونه اختلال رو این سپری خواهند کرد.
110. همان طور که موجودات زنده برای رشد و نمو خود علاوه بر نیازمندیهای زیستی نیاز به توجه و مراقبت دارند، کودکان هم نیاز فراوان به محبت دارند و گرسنگی عاطفی به مراتب دشوارتر و بدتر از گرسنگی غذایی است .
111. والدین، اولین مربیان کودکان خود هستند. به همین جهت، نقش آنان در شکل گیری شخصیت فرزندان بسیار حساس و مهم است .
112. اگر خوب دقت کنیم، دل بستگی و علاقه کودک بیشتر متوجه کسانی است که در مقابل او با انصاف و مهربان و با سخاوت باشند و به خواسته های آنان با صبر و حوصله تمام گوش فرا دهند. اصلاً نوع رابطه بین والدین و کودکان، در پرورش حس همکاری، دوستی، فرمانبرداری، انعطاف پذیری و علاقه به کار و درس و تحصیل، تاءثیر مستقیم دارد.
113. والدین باید با مهمترین مسائل مربوط به رشد روانی کودک و نوجوان و جوان، در مراحل مختلف سنی آشنایی کافی داشته باشند.

كودك قبل از ورود به دبستان مراحل مختلفی را طی می کند که هر کی ویژگیهای خاصی دارد، این مراحل عبارتند از:

1. میل و رغبت به تقلید؛

2. بی ارادگی؛

3. برتری؛

4. نداشتن تجربه زندگی؛

5. تلاش برای کسب استقلال؛

6. کنجکاوی در کشف حقایق زندگی .

114. مربیان و معلمان باید توجه داشته باشند که نباید مطالب فراوانی را در فاصله زمانی بسیار کوتاه به کودکان ارائه کنند، زیرا آنان بشدت خسته و عصبی می شوند و نتیجه کارشان ، زدگی از کلاس و درس خواهد بود. باید تا حد ممکن مطالب بطور غیر مستقیم و با رعایت میزان درك و فهم و آمادگی روحی دانش آموز و به طور متنوع و همراه با کارهای عملی و نوعی بازی و نمایش ارائه گردد. باید همواره روی فهم و درك و قوه استدلال نوآموز تکیه شود تا انباشتن حجمی سنگین از معلومات در حافظه او.

در حین بازی و تفریح و گردشهای علمی می توان مسائل مختلف زندگی را به صورتی عینی و ملموس برای نوآموزان تشریح کرد.

115. كودك در دوران دبستان ، آمادگی كمك و همکاری در زمینه کارهای خانه از قبیل جمع و جور کردن وسایل شخصی ، تحصیلی ، اسباب بازیها و پهن کردن سفره و... را دارد؛ در صورتی که با احترام و تشویق مسؤ ولیتهایی از طرف والدین به كودك واگذار شود، او محوله را با علاقه تمام و بخوبی انجام خواهد داد.

116. دوران هفت ساله دوم که نوآموزان در این مرحله وارد دبستان می شوند، بهترین موقعیت در جهت آموزش آداب و اخلاق است . این امر با همکاری مداوم والدین و پی گیریهای مستمر مدرسه ، تقویت می گردد.

117. والدین می توانند با برخوردی سازنده فرمهای رفتاری و تربیتی مدرسه را که در جهت تقویت اخلاق و آداب اسلامی ارائه می گردد، بطور دقیق برای فرزندانشان تشریح نمایند و خود نمونه ای عملی برای هدایت کودکان و عادت دادن آنان به آداب و خصلتهای خوب اخلاقی باشند و فرمهای مربوط را با پیگیری مستمر پر کرده و در جهت رشد اخلاقی و تربیتی فرزندانشان یار و یاور مدرسه باشند.

118. مربیان و والدین باید به خاطر داشته باشند که تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش ، يك عمل تدریجی است و مستلزم صبر و حوصله و اراده و خودسازی آنان است ، آنان نه تنها باید با خصوصیت‌های فردی کودکان آشنا باشند، بلکه باید سعی نمایند انگیزه های کارهای خلاف وی را درك کرده و راه مناسبی برای پیشگیری از این نوع عکس العمل‌های نامناسب پیدا کنند.
119. با درك وضعیت روحی و آشنایی با انگیزه های رفتاری کودکان ، می توان مناسبترین راه تربیتی و روش برخورد صحیح را در مقابل آنان انتخاب کرد.
120. در فرهنگ اسلامی ، يك اصل بسیار مهم تربیتی از مرحله کودکی تا به بعد مطرح است و آن : حفظ شخصیت و توجه به عزت نفس کودکان است . رفتار والدین و مربیان با کودکان باید با حسن تفاهم و اعتماد و احترام به شخصیت آنان توأم باشد و آنان همواره نقش خود را به عنوان نمونه و الگو از یاد نبرند.
121. شیوه های برخورد اولیا و مربیان با کودکان باید بر اساس دو اصل مهم تنظیم شود:
1. در نظر گرفتن سن و مراحل رشد کودکان ؛
 2. درك و فهم تواناییها و آمادگیهای کودک .
122. باید برای کودکان امکانات و فضاهای مناسب فراهم شود تا آنان بتوانند، انرژی فعال خود را در جریان بازیها و فعالیتهای پر جنب و جوش و پرتحرک خود به مصرف برسانند، زیرا کودکان از عدم تحرك خسته و ملول می شوند و در نتیجه ، حالتی عصبی پیدا می کنند و در برخورد با دیگران بر اعصاب خویش تسلطی ندارند.
- بنابراین ، والدین حتی المقدور نباید کودکان خردسال را در مسافرتهاى طولانى در داخل ماشین محبوس نمایند و یا در جلسات بزرگسالان آنان را در محیطی بسته و به مدت زیاد و در يك حالت معینی قرار دهند، زیرا این امر در خستگی شدید روحی و زدگی کودکان از کار و محیط، تاءثیر فراوانی دارد.
123. تلاش برای خوب بودن از خصوصیات فطری نوجوانان است . آنها همیشه فکر می کنند که خوب هستند. والدین باید همواره این احساس را در آنان تقویت کنند. تشویق و تقویت والدین و مربیان موجب تقویت حس اعتماد به نفس نوجوانان می گردد و بهتر شدن رفتار آنان کمک شایانی می کند.
- زمانی که نوجوان يك عمل خوبی (مثل کمک به دیگران) انجام می دهد و یا چیزی را به دوستش می بخشد، باید به رفتار او ارج نهند و تشویق نمایند. این عمل در ذهن او به صورت يك عادت مثبت نقش مهمی ایفا می کند.
124. لجبازی نوجوانان اغلب مواقعی صورت می پذیرد که آنان مورد بی مهری و نامهربانی بیش از

حد و سخت گیریهای نامعقول پدر و مادر قرار گیرند؛ در چنین شرایطی، لجبازی به عنوان يك عكس العمل دفاعی در برابر رفتار نامعقول والدین ظاهر می گردد.

125. والدین و مربیان باید سعی کنند همیشه علل و عوامل رفتارهای نامعقول و نامتعادل و ناسازگاری کودکان را ریشه یابی و تجزیه و تحلیل نمایند تا بتوانند راه و روش درستی در برخورد با فرزندان خود اتخاذ کنند، زیرا هیچ عملی یا عکس العملی بدون علت نیست.

126. در دوره ابتدایی اهداف مهم مسائل تربیتی و پرورشی در دو اصل زیر خلاصه می شود:

1. آموزش و تقویت عاداتهای مطلوب و خوب؛

2. پیشگیری از سرایت نمودن رفتار زشت و ناپسند همسالان در مدرسه.

در این باره والدین می توانند با همکاری واحد پرورشی مدرسه، کمک شایانی به جایگزین کردن عادات مطلوب در شخصیت نوجوان بنمایند.

127. تربیت و ادب کودکان از طریق عمل و رفتار والدین و مربیان شکل می گیرد و تابع هماهنگی

بین ارزشها و معیارهای خانه و مدرسه می باشد. با پیگیری مستمر برای هماهنگی هر چه بیشتر این دو نهاد است که آداب و نظم و انضباط در وجود افراد، جایگزین شده و اساس رفتار و کردارشان را در آینده شکل می دهد.

128. خیلی از خصلتها و صفات بد به علت بی توجهی تربیتی در دوران کودکی به وجود می آید؛ مثلا، عادت کردن به دروغ، ریشه در عجز و ناتوانی و عدم اعتماد به نفس در دوران کودکی دارد.

129. کودکان معمولا کمبودهای عاطفی و روانی خود را به صورت های مختلف، از جمله لجبازی، زدن دیگران، برخورد های خشن، بهانه گیری و... از خود بروز می دهند، تا با کودک تفاهم نباشد، نفوذ در وی غیر ممکن است، همیشه باید علتها را جستجو کرد، نباید تنها به صورت ظاهری و سطحی با روحیات کودکان برخورد نمود، بلکه باید به این نکته توجه داشت که رفتار و عکس العملهای آنان معلول مسائل درونی و دوران حساس هفت سال اول زندگی است.

130. معمولا کودکان و نوجوانان تا بدی يك عمل برایشان روشن نشود، از آن دست بردار نیستند، و این شناخت تنها از طریق گفتار و توضیح مربیان و والدین حاصل نمی شود، بلکه زمانی که آنان عملا در موقعیتی قرار بگیرند و خود به نتایج زیانهای آن پی ببرند، بدان یقین حاصل می کنند، بنابراین، هر کس تا مفساد چیزی را نداند، قدرت ترك آن را ندارد. (59)

131. تشخیص لجبازی از پشتکار مشکل است، چون هر دو در يك شکل ظهور می کنند. والدین و مربیان باید دقت نمایند که در تشخیص این دو رفتار خطا نکنند.

132. کلمات و سخنانی که والدین و مربیان در طول روز به کودکان و نوجوانان می گویند، اهمیت

زیادی در شکل گرفتن شخصیت آنان دارد، مثلا، جمله های محبت آمیز همراه با احترام ، اهمیت بسیار در تقویت حس عزت نفس آنان دارد؛ همچنین جملاتی چون: ((تو دیگر بزرگ شده ای))، ((مرد شده ای)) و ((آقا شده ای)) یا ((خانم شده ای)) او را وادار می کند که با تلاش مثبت خود، این باور را برای شما ثابت کند.

133. هیچ کودکی با اخلاق و خصلتهای بد به دنیا نمی آیدکل مولود یولد علی الفطره ... (60)

کج خلقی و لجبازی و خودسری و بهانه جویی را نمی توان خصوصیت ذاتی کودکان به شمار آورد. بنابراین ، کودکان اصلاح پذیرند و شخصیت شان در طول دوران زندگی در خانه و مدرسه شکل می گیرد و سهل انگاری ، بهانه جویی و خود محوری آنان نتیجه برخورد نادرست و نامناسبی است که والدین و اطرافیان در دوران اولیه زندگی با او داشته اند.

134. تسلیم نشدن و نشان دادن خونسردی و صبر و بردباری در مقابل بهانه جوییهای کودکان - در صورتی که این بهانه جوییها وسیله و تاکتیکی برای دستیابی به خواسته هایی باشد که شما با آن مخالف هستید، به او می فهماند که شما به این گونه عکس العملها اهمیت نمی دهید و او بزودی خسته می شود رفتارش را کم کم عوض می کند و می فهمد که بهانه جویی عادت خوبی برای رسیدن به خواسته هایش نیست .

135. فرزندان با نگاه به سیمای ما و با شنیدن نحوه گفتار و در خواست ما و حتی از آهنگ کلام ما بسرعت تشخیص می دهند که آیا موظف به اجرای دستورات ما هستند یا این که می توانند از انجام آن شانه خالی کنند.

136. مربیان و والدین گاهی اوقات بطور ناخودآگاه کودکان را به نافرمانی وادار می کنند، مثلا، هنگام طرح خواسته های خود به جای قاطعیت و محکم سخن گفتن به خواهش و تمنا، یا تهدید، یا حتی قبول خواسته های کودک و یا دادن وعده و وعید و یا واسطه قرار دادن دیگران متوسل می شوند و از این احساس ، کودک به این نتیجه می رسد که می توان نافرمانی کرد.

137. والدین و مربیان باید توجه داشته باشند که تقاضاها و درخواستهایشان از کودکان و نوجوانان را به صورتی جدی و قاطع و در عین محبت و احترام مطرح کنند. چگونگی گفتار و آهنگ صدای والدین و شکل رفتار و برخورد آنان نباید با سستی و بی اعتمادی همراه باشد، چون این کار، سبب نافرمانی و تمرد کودکان و نوجوانان خواهد شد.

138. اولیا و مربیان باید به شخصیت کودک ، احترام بگذارند و با رفتاری مؤدبانه شرایط زیر را در برخورد با کودکان و نوجوانان خود در نظر بگیرند:

1. به نیکویی و ملاحظت با وی صحبت کنند.

2. خونسردی و آرامش خود را در مقابل بهانه جوییها و سخنان بی مورد او حفظ کنند.
3. با ادب و مهربانی (بدون ایجاد ترس و دلهره و تحقیر نمودن) به حرفهای او گوش فرا دهند.
4. شرایط سنی و مقتضیات روحی و روانی او را در نظر بگیرند.

5. انگیزه ها و علت کارهای خلاف او را ریشه یابی کنند و بدانند که ادب و احترام گذاشتن به شخصیت کودکان و نوجوانان به این معنا نیست که والدین و مربیان در برابر تمام خواسته ها و تقاضاهای آنان تسلیم و بی اراده باشند، بلکه باید در عین ادب، خیلی محکم و قاطع راهنمایی کنند.

139. هنگامی که والدین تقاضاهایی از فرزندان خود دارند، باید نکات زیر را در نظر بگیرند:

1. از خشونت و دادزدن و عصبانیت بپرهیزند.
2. درخواستهایشان باید واضح، قاطع و همراه با محبت و مهربانی صورت گیرد.
3. نباید به صورت خواهش و تمنا و با شفیق قرار دادن دیگری انجام گیرد.
4. با وعده و وعید و اظهار روحیه نیازمندی نباشد.
5. در خور توان و قدرت و درك آنان باشد.
6. زمینه انجام کار برای آنان فراهم باشد.
7. در هنگام اشتغال به درس و یا سرگرم بودن به بازی و یا کار دیگری نباشد.
8. خلاف موازین اخلاقی و عقلی و شرعی نباشد.
9. در خواست در مورد کارهایی که از طرف خانه یا مدرسه ممنوع شده، نباشد.
10. از تهدید، چه واقعی و چه دروغین استفاده نشود، زیرا تهدیدهای غیر واقعی بعدا کودک را دروغگو باز خواهد آورد.

والدین و مربیان نباید فوراً با مشاهده رفتار خلاف کودکان و نوجوانان متوسل به تنبیه و اعمال خشونت آمیز شوند، زیرا آنان به علت ترس، ممکن است به دروغگویی پناه ببرند و روحیه ای زبون و خجل و شکسته پیدا کنند.

140. والدین باید همواره رفتاری جدی، قاطع، عاقلانه و عادلانه و منطبق بر ضوابط شرعی و عقلی از خود نشان دهند.

141. رفتار خشن و تنبیه بدنی به هنگام مشاهده اعمال خلاف، باعث می شود که کودک از ترس، حالتی حق به جانب گرفته و متوسل به دروغ شود و تا زمانی که خردسال است عکس العمل چندانی از خود نشان ندهد، ولی بعدا که بزرگ شد، ممکن است تحت تأثیر رفتارهای گذشته والدین با آنان قطع رابطه کند و زندگی خود را از آنان جدا نماید، زیرا رفتارهای خشونت آمیز گذشته قلب او را جریحه دار کرده و روحش را بیمار ساخته است.

142. کم تحملی و عصبانیت در برابر پرخاشگریهای کودکان و نوجوانان و توسل به خشونت در برابر آنان از زیانبارترین راههای تربیت است. این گونه برخورد با آنان سبب فاصله گرفتن آنان از خانواده و ایجاد روحیه ای تجاوزکارانه در زندگی آنان می گردد و در نتیجه ممکن است در مقابل هر پیشنهادی که با مهر و محبت به آنان داده شود، حتی اگر از سوی افراد بیگانه سود جو و غرض ورز باشد سرفرود آورده و به سادگی تسلیم خواسته های آنان شوند.

143. تقویت روحی کودکان و نوجوانان با کلمات محبت آمیز و افزایش حس اعتماد به نفس آنان در موقعیتهای دشوار زندگی، آنان را امیدوار کرده و در انجام کارهایشان موفق می گرداند.

144. با ابراز حسن ظن و مهر و محبت و ایجاد موقعیت هایی برای تفکر است که کودکان و نوجوانان در ارتباط با دیگران به ارزیابی رفتار و تواناییهای خود می پردازند و از راه مقایسه خود با نمونه های مثبت یا منفی در جهت مثبت هدایت می یابند.

مربیان و والدین با بهره گیری از موقعیتهای حساس زندگی و با به وجود آوردن شرایط مناسب و مساعد مانند زمینه سازی برای انتخاب دوستان خوب از میان همسالان به هدایت و ارشاد کودکان و نوجوانان پردازند.

145. نباید فرزندان بزرگتر را به خاطر فرزندان خردسال که رفتاری شیرین و دوست داشتنی دارند، سرزنش کرد و در انجام خواسته های آنان - به بهانه این که آنان بزرگترند و این کودک، خردسال است - تعلل ورزید چرا که این عمل موجب بروز اختلاف و حسادت بین کودکان و از دست رفتن اعتماد فرزند بزرگتر نسبت به والدین خواهد شد.

146. بزرگترها می توانند با کمک گرفتن از بازی به راحتی کودکان را به فرمانبرداری وادار کنند و با همبازی شدن و اجرای نقشهای مختلف، با آنان ارتباط برقرار کنند و مقاومت آنان را در مقابل خواسته های خود از بین ببرند، استفاده از جریان بازی و ورزش در تربیت و پرورش خردسالان بسیار مؤثر است.

147. خوش خلقی و شوخ طبعی و تعریف کردن قصه های جالب و ایجاد شور و شوق در بازی ، زمینه نفوذ مربیان خوب را در عمق روح کودکان فراهم می کند.
148. (تشویق کردن)) در صورتی که در جهت رشد زمینه های اخلاقی کودک باشد، یکی از روشهای خوب تربیتی است ، ولی استفاده مکرر و نابجا از این شیوه ، سبب رشد خصیلت های منفی می شود، به طوری که کودک همواره احساس برتری خاص نسبت به دیگران پیدا کرده و همیشه میل به تظاهر و استثنایی بودن و مستحق بودن برای دریافت جایزه را در سر می پروراند.
149. برخی از پدران سعی دارند که وظایف خود را نسبت به تربیت کودک بر عهده همسر خود قرار دهند و همواره عقیده دارند که کار با کودک ، مستلزم بیکار بودن و تحمل دردها و صرف دقت بسیاری است که این با اشتغالات آنان سازگار نیست . (مثلا کار یا درس دارند و از طرفی ، تصور می کنند آینده خودشان مهمتر از وقت گذرانی با کودکان است !) اینان وظایف و حقوق فرزندان را نسبت به خود فراموش کرده اند. (61)
150. والدین اگر با فرزندان خود ارتباطی عاطفی برقرار کنند و به خواسته های منطقی آنان توجه داشته باشند، آنان هم بطور طبیعی مکنونات قلبی خود را نزد والدینشان بازگو خواهند کرد از سوی دیگر جدی نگرفتن کودکان و مسخره کردن رفتار آنان سبب قطع ارتباط عاطفی بین والدین و فرزندان می شود.
151. والدین در هنگام حضور در بین فرزندان ، باید ادب و احترام را بطور کامل رعایت نمایند و نباید در ارتباط با فرزندان خود کاری کنند که آنان خود را از والدین بیگانه تصور کند و در پی جلب توجه و دوستی دیگران برآیند.
152. رفتار کودکان و نوجوانان متکی بر معیارها و موازین اخلاقی و تربیتی خاصی است که والدین بطور آگاهانه و یا ناآگاهانه در ارتباط با فرزندان در زندگی ، اعمال می نمایند. اگر آنان رفتاری منطقی و مبتنی بر ارزشهای ثابت و استوار داشته باشند، کودک و نوجوان چگونه زیستن را خواهد آموخت ولی اگر روحیه ای متزلزل و رفتاری غیر منطقی و ناهماهنگ داشته باشند، سبب خواهند شد که کودک و نوجوان ، پافشاری و سماجت برای خواسته های خود را رمز موفقیت خود بدانند؛ طبیعی است که این گونه والدین نمی توانند در مقابل خواسته های فرزندان جواب منفی بدهند و در نتیجه آنان را افرادی پر توقع بار می آورند.
153. کودکان و نوجوانان با دقت و حساسیت خاصی که دارند رفتار و کردار خود را بر مبنای ارتباط ویژه پدر و مادر با آنان تنظیم می کنند. در خانواده هایی که همه هم و غم والدین فراهم کردن امکانات رفاهی و مصرفی و خواسته های غیر منطقی فرزندان است و هر خواسته ای بدون چون و چرا به

- مورد اجرا گذارده می شود، فرزندان، ((لوس)) بار می آیند، زیرا والدین، تنها سعی و تلاششان بر این بوده است که وسایل راحتی و آسایش آنان را فراهم آورند و بدون این که بگذارند آنها با واقعیتها و محرومیت‌های طبیعی آشنا شوند، خود همه کارهای آنان را انجام می دهند؛ در این صورت خانه مکان مناسبی می شود برای رشد فزاینده خود پرستی و خود خواهی کودکان و توقعات غیر منطقی آنان .
154. تقاضا و درخواستهای والدین از نوجوانان باید بر مبنای ترغیب و تشویق کارهای خوب او و شکوفا کردن گرایش درونی وی نسبت به خوب بودن تنظیم گردد. این گرایش درونی بدون استثنا در تمامی افراد وجود دارد. والدین باید با استفاده از این ابزار تربیتی، خود را طوری به نوجوان نزدیک کنند و رابطه دوستانه و صمیمانه ای با او داشته باشند و در حدی نوجوان را به فعالیتهای مثبت علمی و دینی و اجتماعی سوق دهند که موجب خستگی و کسالت روحی وی نشوند و هرگز با فشارهای مستبدانه، او را به انجام کارهای عبادی وادار نکنند.
155. اگر خانواده ها و والدین با معیارهای صحیح اسلامی و اصول اخلاقی ثابت و استوار، با کودکان و نوجوانان برخورد نمایند، بدین وسیله آنان را یاری می دهند که چگونه در اجتماع و در موقعیتهای مختلف، موضع گیریهای مناسبی داشته باشند.
156. والدین باید بطور طبیعی و منطقی و با مراقبت لازم اجازه دهند فرزندانشان با سایر کودکان رفت و آمد داشته باشند تا خود را به دور از هر گونه خیالبافی و بزرگنمایی ارزیابی کنند. البته در این مورد باید همسالان خوب و خانواده های مؤمن مورد توجه باشند.
157. به کودکان خود یاری دهید تا تصویری حقیقی و واقعی از نقاط ضعف و قوت خود داشته باشند و هرگز خود را فردی بی نظیر و استثنایی تصور نکنند.
158. اگر شرایط زیستی و روابط اخلاقی در خانواده متعادل باشد، کودک سعی می کند در حد توان بر مشکلات خویش فائق آید والدین نباید برطرف کننده موانع طبیعی کودک باشند، بلکه باید از دخالت کردن در موقعیتهای نابه جا خودداری کنند و بگذارند او خود به تنهایی یاد بگیرد که چگونه با شرایط ناخوشایند رو به رو شود و کودک درست، زمانی می تواند عکس العمل طبیعی از خود نشان دهد که از حمایت شما برخوردار نباشد.
159. والدین سعی کنند شخصیت فرزندانشان را مستقل بار آورند و طوری کارهای آنان را جهت دهند که بتوانند روی پای خود بایستند، زیرا فردی که اعتماد به نفس پیدا کند، بمراتب از شخصی که وابسته است خوشحالتتر است .
160. والدین و مربیان باید موضع گیریهای خود را در طرفداری از حق در مقابل دیدگان نوجوانان حفظ کنند و هیچ وقت کوتاه نیایند و پابر جا و محکم بایستند و از حق حمایت کنند و روحیه ای

واقعه‌گراییانه و منصفانه از خود نشان دهند تا آنان در عمل با این مسائل آشنا شده و یاد بگیرند.

161. والدین در عمل به کودکان نشان دهند که بردباری و تحمل عقاید مخالف خصلت پسندیده‌ای است و خود عملاً نشان دهند که می‌توانند عقاید دیگران را تحمل نمایند و با ایجاد جوی سالم، و آزاد برای ارائه عقاید موافق و با پرداختن به بحث و تبادل نظر می‌توانند قوه تفکر و استدلال کودکان و نوجوانان را تقویت نمایند.

باید در عمل به آنان بیاموزند که در صورت پی بردن به اشتباه خویش با شجاعت آن را بپذیرند و در اصلاح و تعالی افکار و اخلاق خویش تلاش نمایند و زود از کوره در نروند.

162. همیشه نباید پاسخ سوالات را به فوریت و به صورت کاملاً سهل و آسان به دانش آموز ارائه داد، بلکه مطالب را باید به صورتی بیان کرد و شرایط را به گونه‌ای ایجاد نمود که دانش آموز به اندیشه و تفکر واداشته شود و خود به راحتی جواب سوالات خود را پیدا کند.

163. در مدرسه بعضی از مربیان و معلمان، تنها وظیفه و رسالت خود را در این می‌بینند که در کلاس، حاضر شوند و در فضایی خشک و بی‌روح و بطور یکجانبه مطالبی را به شاگرد دیکته کنند. این معلمان و مربیان در نیافته‌اند که روح انسانی چه پیچیدگی‌های روانی، عاطفی و احساسی در ارتباط با رشد و دریافت ذهنی دارد و مادامی که شوق و انگیزه برای فراگیری مطلبی، موجود نباشد، مطالب در ذهن آنان جایگزین نمی‌گردد. رفتار آشفته و برنامه ریزی نشده و بی‌ضابطه اینان باعث می‌گردد که بسیاری از استعدادها و سرمایه‌های بالقوه کشور از رشد و شکوفایی به پرمردگی گرویده و از رسیدن به کمال علمی و اخلاقی محروم گردند.

نکات لازم کاربردی در کار با کودک و نوجوان

1. داشتن صبر و حوصله، صعه صدر و عشق و علاقه به کار.
2. خودآگاهی نسبت به افکار و احساسات خویش نسبت به کودک و انتظاراتی که از او داریم.
3. داشتن آگاهی کافی نسبت به کودک و مراحل رشد او و ویژگی‌های زیستی - روانی هر مرحله.
4. داشتن ثبات عاطفی در ارتباط با حالت‌های مختلف کودک.
5. توجه به تفاوتها و تواناییهای فردی و مقایسه نکردن کودکان با یکدیگر.
6. توجه به این که هرگز نخواهیم که کودک تمام دستورات ما را اجرا کند، بلکه در این خصوص، ظرفیتها و موقعیتهای وی را در نظر داشته باشیم و به گونه‌ای غیر مستقیم او را ارشاد و راهنمایی کنیم.
7. سعی کنیم فضایی مطمئن و محبت آمیز برای او ایجاد کنیم و بارازداری، اعتماد او را به خود جلب نماییم.

8. عدالت و مساوات را در ارتباط با آنان رعایت کرده و تحت تأثیر ویژگیهای خاص کودکان عمل نکنیم .
9. خطای کودکان را با دلیل و استدلال تذکر دهیم و در این رابطه هرگز کلمات درشت و گزنده به زبان نیاوریم .
10. فضایی اطمینان بخش ایجاد کنیم تا کودکان بتوانند بطور آزاد احساسات و عواطف خود را ابراز نمایند.
11. خواسته های خود را به طور واضح و منطقی و با دلیل از کودک طلب کنیم .
12. به موقعیتهای و شرایط روحی و روانی کودک توجه داشته باشیم و بدانیم که در چه زمانی ، چه کاری را از او بخواهیم و در خواسته هایمان عجله و شتاب نکنیم .
13. نسبت به خواسته های کودک ، حساس و دقیق باشیم ، مشکلات وی را در نظر بگیریم و به طرز منطقی او را هدایت کنیم .
14. باید در روشها و ارائه الگوهای تربیتی بین پدر و مادر در خانه ، و مربی و معلم در مدرسه ، وحدت و هماهنگی حاکم باشد، تا از اضطراب کودک کاسته شده و ثابت عاطفی او تقویت و تثبیت گردد.
15. در کار با کودکان باید از خشونت و تعصب پرهیز نماییم و از زدن برچسبهای نامعقول به آنها خودداری کنیم .
16. بهترین روش رشد شخصیت و پرورش خصلتهای نیکو در کودکان احترام گذاردن به آنها و تشویق و ترغیب کردن آنان در این زمینه هاست .
17. از تنبیه بدنی ، سرزنش کردن و شرمگین ساختن کودک در پیش دیگران جدا خودداری کنیم .
18. هرگز سخن او را قطع نکنیم و در جمع و بین همسالانش او را مسخره نکنیم .
19. در مقابل پرسشهای کودکان ، صراحت لهجه ، صداقت در گفتار و وضوح و سادگی و کوتاه بودن پاسخ را از یاد نبریم .
20. روحیه و حالت و ویژگیهای کودکان را بشناسیم و با هر کودکی مطابق روحیه و تمایلات درونی او رفتار نماییم .
21. باید کودکان را در انجام کارهای شخصی و مسائلی که مربوط به آنان است یاری دهیم و با همکاری و مشارکت ، آنان را به انجام کارهایشان ترغیب کنیم .
22. انجام هر گونه برنامه پرورشی ، باید منطبق بر نیازها و خواسته های عاطفی و روحی و سطح هوشی و سنی کودکان باشد تا مؤثر واقع شود؛ در غیر این صورت ارائه هر برنامه ای انگیزه ای در کودکان به وجود نمی آورد.

23. تا آنجا که ممکن است درخواستها و تقاضاهای خود را از کودکان به صورت غیر مستقیم و با طرح سؤال عنوان نماییم .
24. در گیر و دار بازی و جنب و جوش کودکان ، هیچگاه به او دستور ندهیم و او را از بهترین موقعیت عاطفی و احساسی که در بین جمع پیدا کرده محروم نکنیم .
25. زمینه های برخورد و تماس با کودکان ، سرشار از شادی و ابراز محبت باشد و در گفتگوهای خانوادگی اوضاع را طوری فراهم کنیم که کودک همه مکنونات قلبی و درونی خود را اظهار کند و شما با انگیزه های درونی وی آشنایی پیدا کنید.
26. در زمینه آموزش ، والدین و مربیان باید به گونه ای ظریف و دقیق کودک را راهنمایی کنند و با انجام پرسشها بطور طبیعی ، وی را در کشف موضوع و پاسخ مطالب ، هدایت کنند تا با کمک و راهنمایی شما به مطالب صحیح دست یابد.
28. کودکان را در برقراری ارتباط با همسالان خوب یاری دهید.
29. با رفتار و اعمال و موضع گیریهای صحیح در بین خانواده و طرح مسائل مختلف باید توضیح داد که کودکان کارهای خوب را از بد تشخیص دهند.
30. کودکانی که تنبیه بدنی می شوند و با آنان برخوردهای خشن و سخت صورت می گیرد و پیوسته از سوی والدین تحت فشار و کنترل قرار می گیرند، در زندگی دچار فشار روحی و احساسی ناامنی هستند، آنان ترسو می شوند و زود تسلیم می گردند و قدرت حرف زدن و بیان واضح مطالب خود را ندارند و در بزرگسالی علیه هر قدرتی طغیان می کنند.
31. والدین و مربیان توجه داشته باشند که اگر کودک خطایی یا اشتباهی مرتکب شده ، باید به گونه ای واکنش نامطلوبی از شما ببیند و اگر هیچ گونه عکس العملی مشاهده نکند، تصور می کند که عمل او بطور ضمنی تائید شده است .
32. باید بدانیم که کودکان در هفت سال اول کاملا آزادند و به خواسته های آنان باید توجه شود، ولی از هفت سال دوم به بعد که وارد دبستان می شوند، حتما باید تحت انضباطی قاطع و بدون سختگیری قرار گیرند و با پی گیریهای مستمر در انجام تکالیف و رعایت نظم و انضباط، یاری داده شوند.
33. پایه و اساس آداب و سنن اسلامی ، در دوره دبستان بنانهاده می شود که با پیگیری خانواده ها و رعایت آن در منزل و مدرسه ، موجب کسب عاداتهای مطلوب در مرحله شکل گیری شخصیت اجتماعی کودکان خواهد بود.
34. والدین در عین اظهار مهر و محبت به فرزندانیشان در مواقعی که نوجوانان خواسته های غیر منطقی دارند و با لجبازی و جنجال آفرینی می خواهند به هر قیمتی که شده ، خواسته های خود را

- عملی کنند، صبر و بردباری - و گاهی سکوت - را پیشه خود سازند و با ایجاد شرایط طبیعی به او یاد دهند که ممکن است انسان در زندگی با ناکامیها و عدم موفقیت‌هایی رو به رو شود.
35. مرحله آموزشهای مستقیم از دوره ابتدایی در دبستان آغاز می شود قبل از هفت سالگی نباید کودک را تحت آموزش برنامه های نظم و انضباط و یا آداب و سنن سخت قرار داد. او باید در این مرحله ، در خانه احساس راحتی و آزادی و امنیت بکند.
36. شرط اساسی در دوره ابتدایی برای آموزش انضباط و رفتارهای مطلوب ، ارائه الگو و نمونه مناسب در خانه و مدرسه است و این با روش و برخوردی هماهنگ امکان پذیر است .
37. والدین در مواقعی که اختلافی بین فرزندان بروز می کند، با رعایت عدل و انصاف و با صراحت و قاطعیت و در عین حال با مهر و محبت ، آنان را به وظایفشان آشنا سازند.
38. در مواد لازم به جای تنبیه بدنی و پرخاشگری نسبت به کودک خطاکار، باید با خونسردی و قاطعیت ، او را از خواسته ها و علاقه هایش از قبیل : تماشای تلویزیون ، خرید اسباب بازی و یا رفتن به گردش ، محروم ساخت .
39. متأسفانه بعضی از والدین به علت عدم تزکیه و خودسازی ، چنانچه فرزندشان مرتکب کار نادرستی بشود، نمی توانند جلو خودشان را بگیرند و خشم خود را فرو برند و حتی بدون فکر و تامل بی درنگ به تنبیه بدنی او اقدام می کنند و با خشم بر سر کودک فراید می کشند و به عوارض و آثار نامطلوبی که این شیوه برخورد در وجود کودک و رفتار آینده او باقی می گذارند توجهی نمی کنند. حال آن که کودک به غلط و یا خطا بودن بسیاری از اعمالی که مرتکب می شود آگاهی چندانی ندارد.
40. برای باز داشتن کودک از رفتار نامطلوب باید موقعیت و شرایط به گونه ای فراهم شود که پس از انجام هر رفتار نادرست ، پاداشی دریافت نکند؛ به عبارات دیگر، مورد تشویق قرار نگیرد و نسبت به عمل و رفتار او اهمیت و حساسیتی نشان داده نشود و در آن موقعیت به او اعتنا نشود.
- چند توصیه مهم در امر تعلیم و تربیت
1. در کار تربیتی برنامه داشته باشید.
 2. کودکان را به شکل غلط با هم مقایسه نکنید.
 3. عدالت را بین فرزندان رعایت کنید.
 4. در رفتارهای خود نسبت به کودکان مهربان ، قاطع ، مستقل و استوار باشید.
 5. درباره ارزش مستقل بودن و روی پای خود ایستادن ، نمونه هایی به کودکان ارائه دهید.
 6. با صبر و تفکر، تامل در رفتار را به فرزندان خود، بیاموزید.
 7. به فرزند خود کمک کنید تا خود را بهتر درک کند و از تحقیر دیگران بپرهیزد.

8. با طرح سوالات مناسب و بحثهای گوناگون کودکان را به تفکر و تعقل و اظهار نظر وادار سازید و سعی کنید بطور طبیعی آنان در معرض اندیشیدن و تصمیم گرفتن قرار گیرند.
9. هنگامی که از کار ناپسند کودکان ناراحت هستید، سؤال کردن و توضیح خواستن در این باره تاءثیر مثبتی دارد. با حفظ خونسردی بطور غیر مستقیم و در فرصت و موقعیت مناسبی می توانید به طرح چنین سؤالاتی بپردازید.
10. کنترل کودک به معنای محدود کردن عرصه فعالیت و جنب و جوش او نیست .
11. در مقابل مشکلات و رفتارهای بد دیگران با حفظ خونسردی ، مقاومت نشان دهد تا کودک نیز یاد بگیرد که در برخورد باناملایمات بردباری و ایستادگی نشان دهد.
12. هنگام نصیحت و راهنمایی کردن از اعمال روش تحکیم آمیز خودداری کنید و هرگز با شیوه های تهدید، تحقیر، سرزنش ، طعنه و تمسخر به امر و نهی نپردازید.
13. در رفتار با کودکان موقعیت سنی ، شرایط زیستی ، ویژگیهای روحی و احساسی و مراحل رشد ذهنی آنان را در نظر بگیرید و به کودکان با رعایت سن و ظرفیتشان مسؤ ولایت بدهید.
14. باید بدانید که تربیت خوب ، میوه خانواده ای خوب و صمیمی و پر مهر و محبت است . (62)
15. تقویت اعتماد به نفس و احساس حسن ظن کودکان در ارتباط با دیگران از ضروریات است و باید با ابراز و مهر و محبتهای بجا، زمینه حرف شنوی را در کودکان فراهم کنیم .

1- علق (96) آیه 5.

2- معلم اول ، رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم).

3- علی (علیه السلام).

4- بحار، ج 1، ص 206.

- 5- من نصب نفسه للناس اماما فليبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره و ليكن تاءديبه بسيرته قبل تاءديبه بلسنانه ، و معلم نفسه و مؤ دباها احق بالاجلال من معلم الناس و مؤ دبهم (نهج البلاغه ، كلمات قصار ، ش 73).
- 6- غررالحكم .
- 7- غررالحكم .
- 8- نهج البلاغه ، كلمات قصار ، ش 193.
- 9- ان القلوب شهوه و اقبالا و ادبارا، فاتوها من قبل شهوتها و اقبالها فان القلب اذا اكره عمى (نهج البلاغه ، كلمات قصار ، ش 193).
- 10- اذا نشطت القلوب فاودعوها...و اذا نفرت فودعوها... (بحار ، ج 78 ، ص 377).
- 11- هي يستوى الذين يعلمون و الذين لايعلمون ((. (زمر (39) آيه 9).
- 12- ان الله اوحى الى ان تواضعوا؛ رسول اكرم (صلى الله عليه و آله و سلم) منية المرید، ص 69)).
- 13- واخفض جناحك لمن اتبعك من المؤمنین . شعرا (26) آيه 215)).
- 14- علموا و لاتعنفوا فان المعلم خير من المعنف ؛ رسول اكرم (صلى الله عليه و آله و سلم) منيه المرید، ص 69)).
- 15- لينوا لمن تعلمون و لمن تتعلمون منه ؛ رسول اكرم (صلى الله عليه و آله و سلم) منيه المرید، ص 69)).
- 16- و قل لعبادى يقولوا التى هي احسن اسراء (17) آيه 53)).
- 17- و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما فرقان (25) آيه 63)).
- 18- و لا تصعر خدك للناس لقمان (31) آيه 18)).
- 19- و اقصد فى مشيك و اغضض من صوتك لقمان (31) آيه 19)).
- 20- فبشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه زمر (39) آيه 17 - 18)).
- 21- و ما انا من المتكلمين ص (38) آيه 86)).
- 22- ادفع بالتى هي احسن السيئه نحن اعلم بما يصفون فرقان (23) آيه 96)).
- 23- فذكر انما انت مذكر لست عليهم بمصيطر. غاشيه (88) آيه 21 - 22)).
- 24- اتاءمرون الناس بالبر و تنسون انفسكم . بقره (2) آيه 44)).
- 25- متن سخنرانی در انجمن اولیا و مربیان ، دبستان توحید، مهرماه 1371.
- 26- جمعه (62) آيه 2.
- 27- امام على (عليه السلام) ان اول عبادہ الله معرفته ، و اصل معرفته توحیده ... (تحف العقول ،

ص 49).

28- و ما ارسلنا من قبلك من رسول الا نوحى اليه انه لا اله الا انا فاعبدون (انبيا آيه 25)؛ ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم ، جز آن که به او وحی کردیم که جز من خدایی نیست ؛ پس مرا بپرستید!

29- این کلمه لا اله الا الله زیاد شنیده شده و در موقعیتهای مختلف ، چون تشییع جنازه و یا حتی در مواقعی که افراد، عصبانی هستند تکرار می شود. همچنین از نظر روانی در اثر تکرار و شنیدن زیاد، این کلمه عادی شده ، بطوری که دیگر هیچ گاه به معنا و مفهوم عمیق آن و نقش حیاتبخش و مؤثر آن در زندگی توجهی نمی شود.

توحید نه تنها يك نوع بحص ذهنی است ، بلکه به عنوان زیربنای عمل و رفتار، تصمیم و اراده و ملاك ارزشهای اخلاقی و انسانی مطرح است ، نقش توحید را در سر و وضع و رفتار و عمل ، نگاه و احساس و در روابط فردی و اجتماعی می توان مشاهده کرد.

توحید نه تنها در بحثهای طولانی کلامی و فلسفی صرف مطرح است ... که در بر خورد دو انسان و طرح دوستی آن دو در شیوه راه رفتن يك فرد در کوچه و خیابان ، در شرکت کردن افراد در يك مجلس گفتگو با یکدیگر، در بین همکاران و هم مباحثه ای ها و همچنین برخورد با کودکان و زیردستان در خانواده و حتی در نشستن بر سر يك سفره ، به سادگی می توان حضور توحید را به چشم دید و در نخستین نگاه می توان تشخیص داد که در این محیط، توحید حکم می کند یا شرک (در انواع مختلفش) بنابراین ، هر جا که اثری از توحید نباشد، بی شك مرتبه ای از شرک حاضر است ، زیرا این دو با هم نفیضند، ممکن نیست هر دو باشند و ممکن نیست هیچ کدام نباشند.

30- عظم الخالق فی انفسهم فصغر مادونه فی اعینهم ؛ آفریدگار در وجودشان بزرگ جلوه می کند و غیر خداوند در نظرشان کوچک می نماید. (نهج البلاغه ، خطبه متقین).

31- قال الصادق (علیه السلام) فی الجواب عنوان البصری : ... فان اردت العلم فاطلب اولاً فی نفسك حقیقته العبودیه ، واطلب العلم باستعماله و استفهم الله يفهمك))، قال العنوان : یا ابا عبدالله ، ما حقیقة العبودیه ؟ قال (علیه السلام) : ثلاثه اشياء: ان لا یری العبد لنفسه فیما خوله الله ملكا، لان العبد لا یكون لهم ملك یرون المال مال الله یضعونه حیث امرهم الله به ؛ و با یدبر العبد لنفسه تدبیرا، و جمله اشتغاله فیما امره تعالی به او نهاده عنه ، فاذا لم یر العبد لنفسه فیما خوله الله تعالی ملكا هان علیه الانفاق فیما امره الله تعالی ان ینفق فیه ، و اذا فوض العبد تدبیر نفسه علی مدبره هان علیه مصائب الدنیا و اذا اشتغل العبد بما امره الله تعالی و نهاده لا یتفرغ منهما الی المراء و المباهاة مع الناس ، فاذا اكرم الله العبد بهذه ثلاثه هان علیه الدنیا، و ابلیس ، و الخلق ، و لا یطلب الدنیا تكاثرا و تفاخرا، و لا یطلب ما

عند الناس عزا و علوا، و لا يدع ايامه باطلا فهذا اول درجه التقوى ...) (بحار، ج 1، ص 224، 226) عنوان بصری از امام صادق (علیه السلام) درباره علم سؤ ال کرد. امام فرمود: دانشی که در نزد ماست آموختنی نیست، بلکه نوری است که خدا بر دل کسی که می خواهد هدایتش کند می افکند، پس اگر خواستی از چنین دانشی بهره مند گردی در آغاز باید حقیقت بندگی را در خود طلب کنی و دانش را با به کار بستن آن طالب باشی و از خدا در خواست فهم کنی تا خداوند به تو بفهماند.

- یا ابا عبدالله حقیقت بندگی در چیست؟

- در سه چیز است:

1. آن که بنده خدا در تمام آنچه که خدای تعالی در اختیار وی قرار داده است مالکیتی برای خود نبیند، زیرا بندگان حقیقی، مالك هیچ چیز نمی شوند، مال را مال خدا می بینند و هر جا که خدای تعالی دستورشان فرموده، قرار می دهند.

2. آن که بنده برای خودش تدبیری نداشته باشد.

3. و همه مشغولیت‌های وی در اطاعت از اوامر و نواهی خدا باشد، پس هنگامی که بنده در داده های الهی برای خود مالکیتی نبیند، انفاق برای او آسان می شود و هرگاه بنده ای تدبیر امور خود را به مدیرش واگذار کرد، مصیبت‌های دنیا بر او آسان می شود و هرگاه بنده ای به آنچه خدای تعالی امر و نهی فرموده، مشغول باشد، فراغتی به او دست نمی دهد تا به مجادله و مباحثات با مردم بپردازد و اگر خدای تعالی بنده ای را از روی اکرام به این سه صفت موفق بدارد، دنیا و شیطان و خلق همگی در نظر او خوار و بی مقدار می شوند و از روی زیاده طلبی و یا فخر فروشی دنیا را نمی طلبند و آنچه را که در نزد مردم است به خاطر عزت یافتن و برتری جستن طلب نمی کنند و روزگار خود را به بطلالت نمی گذرانند و (تازه) این اولین درجه تقواست ...).

32- غررالحکم، ج 7، ص 387.

33- ذاریات (51) آیه 21.

34- غررالحکم، ج 7، ص 378.

35- همان. ص 387.

36- همان، ص 387.

37- شمس (91) آیه 9.

38- اعلی (87) آیه 14.

39- امام باقر (علیه السلام) می فرماید: لا یقبل عمل الا بمعرفة ... (تحف العقول، ص 215). قال علی (علیه السلام): یا کمیل! ما من حركة الا و من انت محتاج فیها الی معرفة؛ ای کمیل، هیچ

عمل و حرکتی نیست مگر آن که تو در انجام آن به معرفت و آگاهی نیاز داری ((تحف العقول ، ص 171).

40- یکی از آقایان که سنی هم از او رفته بود می گفتند: نمی دانم چرا فرزندم این طور شده : نماز نمی خواند... با وجودی که من چیزی درباره او کم نگذاشتم ، حتی اخیرا هم برایش يك ماشين خریدم ، ولی باز توجهی به حرف من نمی کند!

41- كهف (18) آیه 103 - 104.

42- تحریم (66) آیه 6.

43- آرزوهای دور و دراز مرا از رسیدن به سود واقعی به دور داشته ((دعای کمیل).

44- العلم فی الصغر كالنقش فی الحجر .

45- مکارم الاخلاق ، ص 227.

46- نهج البلاغه ، حکمت 31.

47- کسی که سر از خواب نوشین بردارد و در امور مسلمانان ، اهتمام نداشته باشد، مسلمان نیست .

48- یکی از موقعیتهای مناسب برای قصه گویی هنگام خواب کودک است .

49- هیچ سرمایه و ارثی بالاتر از ادب نیست علی (علیه السلام) ((.

50- دع ابنك سبع سنين ، و يودب سبع سنين ، و الزمه نفسك سبع سنين (وسائل ، ج 5، ص 125).

51- عن علی (علیه السلام) یا کمیل ! ما من حركة الا وانت محتاج فيها الى معرفة (تحف العقول ،

ص 171)

52- یا معاذ بن جبل ! بشر و لاتتفر...؛ بشارت بده و تنفر ایجاد مکن (!)

53- یسر و لاتعسر؛ آسان بگیر و سخت مگیر (!)

54- قال علی (علیه السلام): لامیراث کالادب ((.

55- رساله حقوق ، امام سجاد (علیه السلام) حق اولاد بر والدین ، به جلد سوم این مجموعه (آنچه

والدین و مربیان باید بدانند، قسمت آخر) مراجعه شود.

56- بقره (2) آیه 286.

57- الحلم زين الخلق ؛ بردباری زیور اخلاق است ((نهج البلاغه).

58- قال علی (علیه السلام): الانصاف یستدیم المحبه : انصاف سبب دوام محبت می شود((

(غررالحکم).

59- قال علی (علیه السلام): من لم یعرف مضره شیء لم یقدر ترکها (نهج البلاغه).

60- حدیث نبوی .

- 61- قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): ادبوا اولادكم فانكم مسؤ ولون عنهم .
- 62- خيركم خيركم لاهله ؛ بهترين شما كسى است كه براى خانواده خود بهتر باشد)). (رسول اكرم (صلى الله عليه و آله و سلم)، نهج الفصاحه).